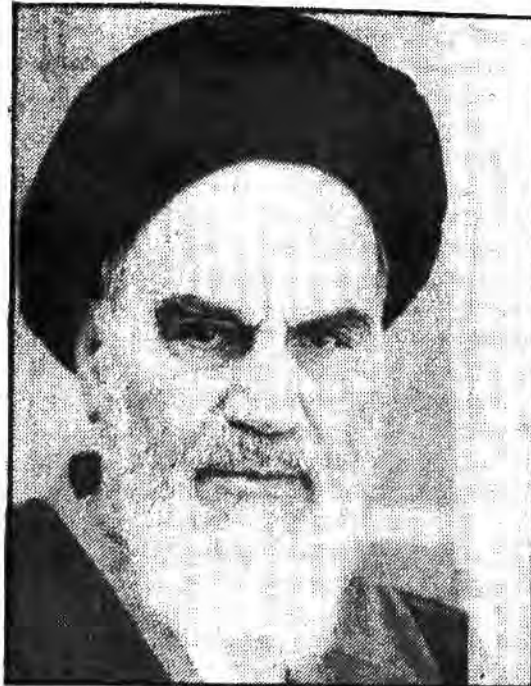


بمناسبت هفته وحدت

جمهوری اسلامی
شنبه ۱۱ دی ۱۳۶۱





وحدت از دیدگاه امام

برادران اهل سنت و تشیع لازم است که وحدتشان را هرچه بیشتر حفظ کنند. مطرح کردن سنی و شیعه خلاف اسلام است و فرقی بین سنی و شیعه نیست بلکه همه ما مسلمان هستیم و باید برادرانه برای اسلام و انقلاب اسلامی مبارزه و جهاد کنیم خوشبختانه طبق اظهارات خود برادران بلوچمان این اعتقاد را دارند که این حکومت، حکومت آنهاست.

امام در دیدار با استاندار سیستان و بلوچستان
۱۳۵۹/۹/۴

ملت شریف باید بداند که تمام پیروزی‌ها به اراده خداوند قادر با تحولی که در سراسر کشور پیدا کرد و روح ایمان و تعهد و تعاونی که در اکثریت قاطع ملت پیدا شد بدست آمد. توجه به خدای متعال و وحدت کلمه اساس پیروزی ما شد.

پیام نوروزی امام ۱۳۵۹/۱/۱
اگر خدای نخواست ما با هم اختلاف کنیم و آن جهت الهی را که خدای تبارک و تعالی به ما فرموده است که «واعتصموا بحبل الله» را فراموش کنیم یک وقت می‌بینید که عنایت خدا کنار می‌رود و ما همان خواهیم شد که بوده‌ایم ما خودمان کاری نمی‌توانیم بکنیم باید ما آن مقداری که می‌توانیم الهیت مطلب را حفظ کنیم و اجتماع داشته باشیم و وحدت کلمه داشته باشیم.

پیام امام در جمع قضات
۱۳۵۹/۱/۱۱

امروز روزی است که تمام طوائف مسلمین مقابل هستند با قدرت‌های شیطانی که اساس اسلام را می‌خواهند از بین ببرند این قدرت‌هایی که دریافتند که آن چیزی که خطر برای آنها دارد اسلام است آن چیزی که خطر برای آنها دارد وحدت ملت‌های اسلامی است. امروز روزی است که تمام مسلمین تمام بلاد عالم با هم مجتمع بشوند...

امروز روزی است که همه به دستور اسلام و به دستور قرآن کریم با هم متحد باشند و تنازع نکنند اگر تنازع با هم بکنند به هر شیوه‌ای که باشد به حسب قرآن کریم ممنوع است.

دیدار با روحانیون کردستان
۱۳۵۹/۶/۴

ما که مدعی آن هستیم که اهل حق هستیم و مسلمان‌ها که اهل حق هستند قرآن کتاب آنهاست، کعبه قبله آنهاست کسانی که به اسلام ایمان آورده‌اند باید در این حق خودشان مجتمع باشند و نگذارند این باطل‌ها که در باطل خودشان می‌خواهند مجتمع بشوند آنها پیروز شوند، ما تکلیف همه‌مان این است که در حق خودمان با هم تفاهم داشته باشیم چه اهالی یک کشور و چه اهالی همه کشورهای اسلامی و من امید آن را دارم که ملت‌ها به سرعت رو به حق بروند و به سرعت رو به اجتماع و اتحاد بروند تا باطل‌ها را با سرعت عقب بنشانند.

دیدار با دانشجویان هند
۱۳۵۹/۶/۶

من امید آن را دارم که بتوانم انشاء الله این خدمتی را که شروع کردیم به آخر برسانیم و بتوانیم با وحدت کلمه، با اتکال به خدای تبارک و تعالی بیرق اسلام را در همه جا به اهتزاز درآوریم.

سخنان امام با اهالی جماران
۱۳۵۹/۲/۳۰

برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف بین ما تنها بنفع آنهاست است که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق. آنها می‌خواهند نه این باشد و نه آن راه را اینطور می‌دانند که بین شما و ما اختلاف بیاندازند ما باید توجه به این معنا بکنیم که همه ما مسلمان هستیم و همه ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت می‌کنیم.

دیدار مهاجرین نوسود
۱۳۵۹/۴/۳۰

امروز روز اتحاد و یگانگی است و اینهم از الطاف بزرگ و تأییدات الهی است که درست برخلاف تصور و خواسته فتنه‌انگیزان و جنگ افروزان همه توطئه‌ها و جنگ‌ها به یک پارچگی ملت بیدار و زنده ما در برابر ابرقدرت‌ها می‌انجامد.

خطاب به علمای اسلام-

مشایخ اهل سنت
۱۳۵۹/۷/۶

به خدای تعالی اتکال کنید و با وحدت کلمه نهضت کنید که خدا با شماست.

۵۹/۷/۲۶

بمناسبت میلاد مسعود رسول گرامی اسلام «ص»

بحثی در نبوت



نوشته: رئیس

جمههور
حجة الاسلام سید
علی خامنه‌ای

بسم الله الرحمن الرحيم
اگر خط سیر منطقی یک
ایدئولوژی را از نقطه تکوین
تا سرمنزل تحقق و عینیت
خارجی در نظر بگیریم
مراحل بدین شرح مشاهده
میکنیم:

۱- مرحله‌ی پیاده شدن
در مسخر و دل گسرویی از
انسانهای مستعد و حق پذیر و
آنگاه در عمل فردی و
گروهی آنان.

۲- مرحله‌ی مطرح شدن
در سطح وسیع مردم بمنظور
تطبیق جو آشنا ساختن ذهن
عموم با آرمانها و هدفها و
داعیه‌های جدید، و نیز به
منظور جذب هرچه بیشتر
افراد صالح.

۳- مرحله زمینه سازی
برای فرود آوردن آخرین
ضرورت در راه ویرانسازی
جامعه‌ی جاهلی و تشکیل
جامعه‌ی آرمانی.

۴- و بالاخره، ایجاد و
استقرار نظام اجتماعی بر
اسنای آن ایدئولوژی السی
آخر...

به وضوح میتوان دریافت
که یک ایدئولوژی اجتماعی با
آرمانهایی از آن گونه که
پیشتر بدان اشاره شد،
همچون یک نظریه‌ی علمی
نیست که بمجرد مطرح شدن
قابل تجربه و آنگاه قابل قبول
باشد، از آنجا که با وضع
مستقر موجود مغایر و مخالف
است ناگزیر در معرض
مستخلف و ناسازگاری

بهرمندان از آن وضع قرار
میگیرد، و از آنجا که در وضع
موجود، گروهها دچار
بهدالتی و حق ناشناسی اند و

پیام جدید متواتر میشد
سیدروزی آنان باشد ناگزیر
از حمایت این گروهها

برخوردار میگردد. این
واقعیت مسائل و پرسشهایی
را مطرح میسازد که باید بدان
پاسخ گفت بدینترار:

۱- تعیین گروههای
معارض

۲- تعیین گروههای معارض
۳- تعیین چگونگی رابطه‌ی
پیامبر با گروههای معارض

۴- شیوه بسیج نیروهای
معارض و استفاده از حداکثر
کار آنان

۵- قوانین و سنن تاریخی‌سی
که پیروزی نسبی را
بهرمراضان و مسازان نشان
حتمی می‌سازد.

۶- چگونگی بهره گیری
از این قوانین و سنن.
برای پاسخ به دو سؤال

نخست، لازم است به دو
عنصر اصیل و سازنده‌ی
شخصیت انسان که هر دو
سرخاسته از نهاد و سرشت
آدمی اند توجه شود. یکی از
آندو، غریزه‌ی حق پذیری.
آدمی از سوئی به هر آنچه
در آن سودی برای خویش
قابل است می‌گراید و با طلب
و اشتیاقی متناسب، می‌تواند
واژه‌ی آنچه در آن زیانی
می‌بندارد، می‌گریزد و از سوی
دیگر هر آن سخن و دعوت
و داعیه‌ی را که در آن نشان
درستی و حقانیت بیاید گردن
می‌نهد و آنرا می‌پذیرد و در
مواردی حرکت و تلاش خود
را نیز در این پذیرش سهم
می‌گرداند و نیروی خود را
در خدمت آن قرار میدهد.
چسبناات و احوال انسان
و تاریخ، بسنده گواه این سخن
است.

بر این نکته‌ی اساسی،
حقیقت دیگری را نیز باید
افزود: رسولان الهی، پیام
آوران عدالت و راستی و انسان
پروری‌اند و طراحان نظامی
بر مبنای: برابری حقوقی
انسانها و ریشه کن ساختن
ظلم، و فرود آوردن طبقات
عالیه از جایگاهی که به ناحق
تصرف کرده‌اند، و بالا بردن
طبقات مستضعف تا سطح یک
زندگی شایسته‌ی انسان،
و تسخیر بندگی و بهره دمی
نامستعال انسان در برابر
انسان و عبودیت همه در برابر
خدای جهان آفرین یعنی در
برابر قدرتی فراتر از اوج
و اندیشه‌ی بشر و خلاصه
کرامت بخشیدن انسان
و همسازاری و رستگاری او از
همه‌ی بندها و اسارتها.

چنین نظامی به منافع
کدام طبقه لطمه وارد
می‌سازد؟ کدام طبقه را
بهرمند می‌کند؟ پاسخ روشن
است... همه‌ی طبقاتها
و بیادگرها، همه‌ی کسانی
که به شکلی نامستعال از
انسانها بهره می‌کنند، همه‌ی
دیوان آدمی صورتی که
انسانهای آزاد را به شکلی به
بگیری می‌گیرند و خلاصه،
همه‌ی کسانی که به طبقات بالا
وابستگانند از این پیام و از
نظامی که بر مبنای آن شکل
خواهد گرفت زبان می‌بندند.
و همه‌ی مستضعفان، همه‌ی
مظلومان و مقهوران، همه‌ی
کسانی که زیر فشار ستم آن
طبقات پشت خم کرده‌اند،
از پیام و نظام نبوی بهره‌مند
می‌گردند.

و اینها پند بیشترین
معارض و بیشترین معارضان
مکتب نبوت... ظریفترین
تکنه‌ی شایان دقت، چگونگی
همگرده آن دو عنصر

است: عنصر حق پذیری...
آیا طبقاتی که از دعوت
نبوی و نظام نبوی، زبان
می‌برند ممکن است به این
دعوت بگردند؟ پاسخ بینش
تاریخی اسلام، مثبت است.
آری آنگاه که انسان بکف
خصیصه و انتخابگری که
یکی از مهمترین خصایص
انسان است، علیرغم همه‌ی
موانع و انگیزه‌های مخالف به
آنچه می‌فهمد و می‌پذیرد که
حق است گردن نهاده،
در حقیقت جلوه‌ی از غریزه‌ی
حق پذیری را نمایان ساخته
و بر «انسان بودن» خود دلیل
قاطع ارائه داده است.

بنابراین در هیچ یک از
طبقات و قشرهای اجتماعی
در برابر رسالت نبوی، به
دیدمی نومیدی نمی‌توان
نگریست و هیچ طبقه‌ی را به
بهنای اجتناب ناپذیر بودن
خصلت طبقاتی‌اش، نمی‌باید
از آگاهی دعوت خارج
ساخت.

۳- آیا پیامبر با برخورداری
از نیروی فراتر از نیروی بشر
عادی، با معارضان و گروههای
در گسره، به شیوه‌ی
ماوراءطبیعی عمل میکند؟ یا
بخاطر ایده‌الهای اخلاقی
و جنبه‌های روحانی از هر گونه
مقابله به مثل و درگیری
و معارضه می‌بهریزد؟
و پاسخ جز این دو شیوه، راه
پیامبر را تعیین میکند؟

واقعیت تاریخ زندگی
پیامبران مخصوصاً زندگی
روشن و مشخص پیامبر اسلام،
و نیز طبیعت نگرش ادیان به
انسان و جهان، آن هر دوره
نخستین
را طی میکند: انسان در عین
آنکه موجودی حق پذیر است،
دستخوش دهها غریزه و
کشش روانی دیگر نیز هست.
این تساملات در او
موضعگیری و حالتی ایجاد
میکند که در زبان اصطلاح
معمول بدان «غرض‌ورزی» و
«حق کشی» می‌گویند. و
مهمتر از آن ناآگاهی و پائین
بودن سطح تسنقل و
اندیشمندی است که در طول
تاریخ همواره بالای گریبانگیر
توده‌های مردم بوده و از آنان
ابزاری در دست قدرتمندان و
سردمداران و وسیله‌ی برای
پیشبرد اغراض آنان پدید
آورده است. فراوان تاریخ
شاهد این فاجعه‌ی غم‌انگیز
بوده است که مردمی رنجبر و
بی‌اختیار، همچون سلاخی
برنده در دست دشمنان خود
و به زبان آرمانهای خود به
کار افتاده و به دست خود
پنهانکن کاخ سعادت خود
گشته‌اند. دعوت نبوی از
جمله حامل پیام و آرزوی

صلح و دعوت به صلح جهانی
است، ولی اگر دشمنان
و غرض‌ورز با استفاده از
تمکن فراوان خود میان پیام
نبوی با توده‌های وسیع مردم
در سراسر جهان، حائل و
حجابی از زور و تسلیفات
زهواگین، بوجود آورده‌اند،
نبوی را در نظر مردم، فساد
انگیز و ضد مردم معرفی
کردند و با اساساً از طرح
شدن پیام او بهر نحو
جلوگیری کردند، نبی هیچ
راهی جز اعمال قهر و زور
نخواهد داشت. این قهر برای
دریدن این حائل و حجابی
است که از تابیدن فروغ مکتب
زندگیساز اسلام به اعماق
اندیشه و صفحه‌ی ضمیر
مردم و سپس به متن زندگی
و عمل و حرکت آنان
جلوگیری می‌کرده است و
اینجاست که آشکارا می‌فهمیم
جهاد اسلام همواره با
قدرتهای مسلط و جبار است
و نه با توده‌ها و ملت‌ها... پس
راه اسلام در رابطه با
دشمنانش، راهی است که
هدایت خرد انسان نیز جز
بدان راهشون نمیشود، راه
فهماندن و آگاهاندن همراه با
مهر و رأفت است و آنجا که
این وسیله به کار نیاید، با قهر
و کین نسبت به آنان که مانع
این آگاهاندن اند... و البته
این استراتژی عمومی و
همیشگی را در هر زمان
شیوه‌ها و تاکتیک‌هاست که
باید آموخت و عمل کرد.

۴- برای آنکه انسان در
راهی حرکت و تلاش کند
باید انگیزه‌های لازم این
حرکت در او موجود باشد و
سازنده‌ها از سر او دور
گردد. این نگرش اسلام به
انسان و طبیعت اوست، از
نظر اسلام، انسان ماشین و
ابزار خودکاری نیست که با
قرار گرفتن در موقع اجتماعی
و طبقاتی خاص، یک سلسله
عملیات و حرکاتی بسطور
قهری و خود به خودش از او
سر بزند موجود انتخابگر و با
اراده‌ی است که اگر در
شرایط عینی نامناسب نیز
قرار گیرد ممکن است با
استفاده از قدرت تصمیم به
کاری برخلاف مقتضای آن
شرایط انجام دهد، ولی
مشروط به آنکه انگیزه‌های
فکری و روحی لازم در او
موجود باشد.

باتوجه به این حقیقت
است که اسلام، چگونگی
بسیج نیروهای طرفدار و
کمک کار خود را، انتخاب
میکند، بسترترین انگیزه‌ی
تحرک کارکنان، در مکتب
انبیاء، در واقع چیزی جز
دست آورد مسمرتها و

شناختهای او نیست. «نبی»
انسان را با واقعیت‌های جهان
هستی، با واقعیت وجود
انسان، با هدف غائی از
آفرینش وی با مسمنای
رستگاری و راه آن، با ضرورت
پیاده شدن مکتب الهی در
زندگی انسانها، با لزوم
مجاهدت در راه خدا، با
حقیقتی بنام معاد و قیامت، با
محصول و نتیجه تلاش
مخلصانه بشر در معاد که
مرحله‌ی دیگری از زندگی
جاودان اوست، با اینها و
دهها حقیقت دیگر، آشنا
میسازد چشم او را به باطن
جهان می‌گشاید، پرددی
اوهاوم و تصورات باطلی را که
مخلوق جهالت و غرض‌هاست
از پیش چشم او می‌برد،
ارزش‌های بیچ و بی‌محاصل را
در نظر او رسوا می‌سازد.
دلستگی‌های کودکانه را از
او می‌گیرد و دل او را به
مرکزی از همه دلنوازتر و
والا تر وابسته می‌کند، و
بدینوسله همه امکانات و
انرژی‌های او را در راه حق
آماده و بسیج کرده وی را
سهلای فداکاری در آن راه
می‌نماید. (در کنار این
حقیقت، باید فراموش نکرد
که انگیزه‌های طبیعی تحرک
یعنی همان نیازهای مادی و
کمبودها نیز مهمترین نقش
را در رابطه نبی با پیروان ایفا
میکند: وضع آنان را برایشان
تشریح میکند و آنچه را که
باید باشد، نیز در کنار آن به
مقایسه می‌گذارد انسان را به
حقسوق خسود
آشنا می‌سازد و... نگاهی
به تاریخ و به آمار تقریبی
خداکاران دین و کیفیت
فداکاری آنان و مقایسه‌ی آن
با دیگر حوادث هجان امیز
وفداکارانه‌ی تاریخ، گواه
روشن و صادقی این مدعا است.

۵- نخست باید این مسئله
رادانت که حوادث
دره‌سارهای تاریخ،
پدیده‌هایی تصادفی و بی‌قاعد،
و گسترده نیستند، هر حادثه

معلول عوامل و محکوم
فوانینی است. کوچکترین
رویداد تاریخی باید ما را به
جستجوی علل و عوامل
بسیج آورنده‌ی آن وادار
سازد. تنها در اینصورت است
که فهم حوادث و تحلیل آن
امکان پذیر خواهد بود.

در جهان بینی دین، قوانین
حاکم بر تاریخ فوانینی ثابت
ولا بتغیرند بدین معنی که
حوادث مشابه در طول زمان
ساخته و معلول علل مشابه
می‌باشند با این سلاخه
می‌توان اطمینان یافت که
پیروزی سینی بسرمعارضان
و کسارشان و مستکران
موضوعی که در قرآن به
عنوان یک حقیقت تاریخی
معرفی شده محصل یک
سلسله فوانین تاریخی است
(اولا کلمه سبقت سنی‌ریک
لغتی بینها) آن کلمه‌ی
بر گذشته همان است که
حاکم است و بشر باید طبق
ان قوانین پیش برود.

این سخن لزوماً بدین
معنی است که هیچ‌یک از
پیشبردها هدف الهی خود پیش
از آنچه وسائل استثنائی
و اختصاصی راه کار گردد،
از وسائل طبیعی یعنی همان
سنن الهی در تاریخ بهره‌گیری
میکند و با ابزارهای طبیعی که
همواره و در همه‌ی زمانها
و مکانها موجود و در اختیار
است، راه خود را می‌پیماید.
تکنه‌ی دیگری که باید بدان
توجه داشت آن است که هدف
نسبی، تنها پیروزی
سیاسی و نظامی نیست، بلکه
پیروزی فکری- به معنای
هرچه بیشتر نزدیک کردن
چو فکری تاریخ و جامعه، به
ایدئولوژی اسلام- نیز
از مهمترین آرمانها و اهداف
اوست. قلاً گفته‌یم که
ایدئولوژی الهی یعنی
تشکیل جامعه‌ی نبوی
جامعه‌ی اسلامی و توحیدی
هدف نزدیک پیامبران گرامی
و مهمترین وسیله‌ی نیل به
آرمان و هدف نهائی آنان- که
بقیه در صفحه ۴

بقیه از صفحه ۳

عبارت است «لا یرقی خلق انسان کامل و به تسمائی رسانیدن انسان می باشد. اگر پیروزی سیاسی و نظامی را مقدمه ی واجب برای تشکیل جامعه و نظام توحیدی بدانیم و بدین لحاظ، آن پیروزی را جزو هدفهای نبی بشماریم، پیروزی فکری نیز که بیگمان زمینه ساز پیروزی سیاسی و نظامی و تسریع کننده ی آن است. در شمار این هدفها قرار

میگیرد. نکات یاد شده را چنین خلاصه میکنیم: حوادث تاریخ، معلول قوانین و سنتن تاریخی است. این قوانین، همیشه ثابت و همواره دارای آثار و نتایجی یکسان است. نبی برای پیروزی خود از قوانین حاکم بر تاریخ بهره میگیرد، و عمل خود را در جهت این قوانین قرار میدهد. پیروزی نبی، شامل پیروزی فکری و ایدئولوژیک نیز هست و منحصراً بمعنای پیروزی سیاسی نظامی نیست اکنون با توجه به این نکات میتوانیم از قوانین و سنتی که میتواند پیروزی نبی را تضمین کند، پیگیری و جستجو نماییم.

برای شناختن این قوانین و حسی خدا مستقی ترین و همین ترین مرجع است آنانکه با تقصیر در تاریخ حواستماند قوانین تاریخ را کشف کنند، هر چند که پیش به برخی از این قوانین دست یافتهاند ولی با توجه به اینکه این قوانین عموماً از چگونگی ساختمان انسان و چگونگی ساختمان جهان و طبیعت منشأ میگیرد، بی تردید نتوانستند و نتخواهند نتوانستند مجموعه کامل یا مقدار معظم این قوانین را کشف کنند، زیرا نه کتله و ابای پیچیده و عمیق وجود انسان و نیز گوشه و کناره های طبیعت گسترده و بی نهایت وسیع راه، دانش محدود انسان نمیتواند بشناسد، تقلیل پدیده های بسیار مکرر و متنوع و واضح و معمولی نیز بطور کامل از عهده ی وی بیرون است. تفسیرهای مختلف متفکرین و تاریخ شناسان نسبت به این پدیده ها شاهد گویای این مدعا است. چنانکه گفتیم در وجه گیری متقابل میان مستضعفان و متسلطین موضع نبی، حمایت از گروه اول و مبارزه با گروه دوم است در این درگیری اجتناب ناپذیر، نبی باید متکی به نیروی همان مردمی باشد که به حمایت از آنان کمر بسته و نجس است آنان را متمهد گشته است،

باید از میان همین مردم سرباز گیری کند و به دست آنان که بالقوه نیروئی عظیم و شکستناپذیرند داعیه ی خود را تحقق بخشد و این مستلزم آن است که طرز فکر خود را در ذهن آنان بنشاند و به کمک ایمان و باور راسخی که در آنان بوجود می آورد انرژی های آنان را در راه مقصود به کار اندازد. پس هر رابطه با هر یک از دو گروه مستکبر و مستضعف،

دارای تسکلیف و تسهید و موضع گیری ویژه ای است: در رابطه با مستضعف، تکلیف معارضه و قهر و مقاومت. در رابطه با مستضعف، تکلیف جذب و تربیت و حمایت. و در هر یک از این دو رابطه سنتهای مجرب تاریخی، پشتیبان و پاور نبی است: الف- در رابطه با مستکبر، بخشی از قوانین تاریخی و اجتماعی که در قرآن بدان

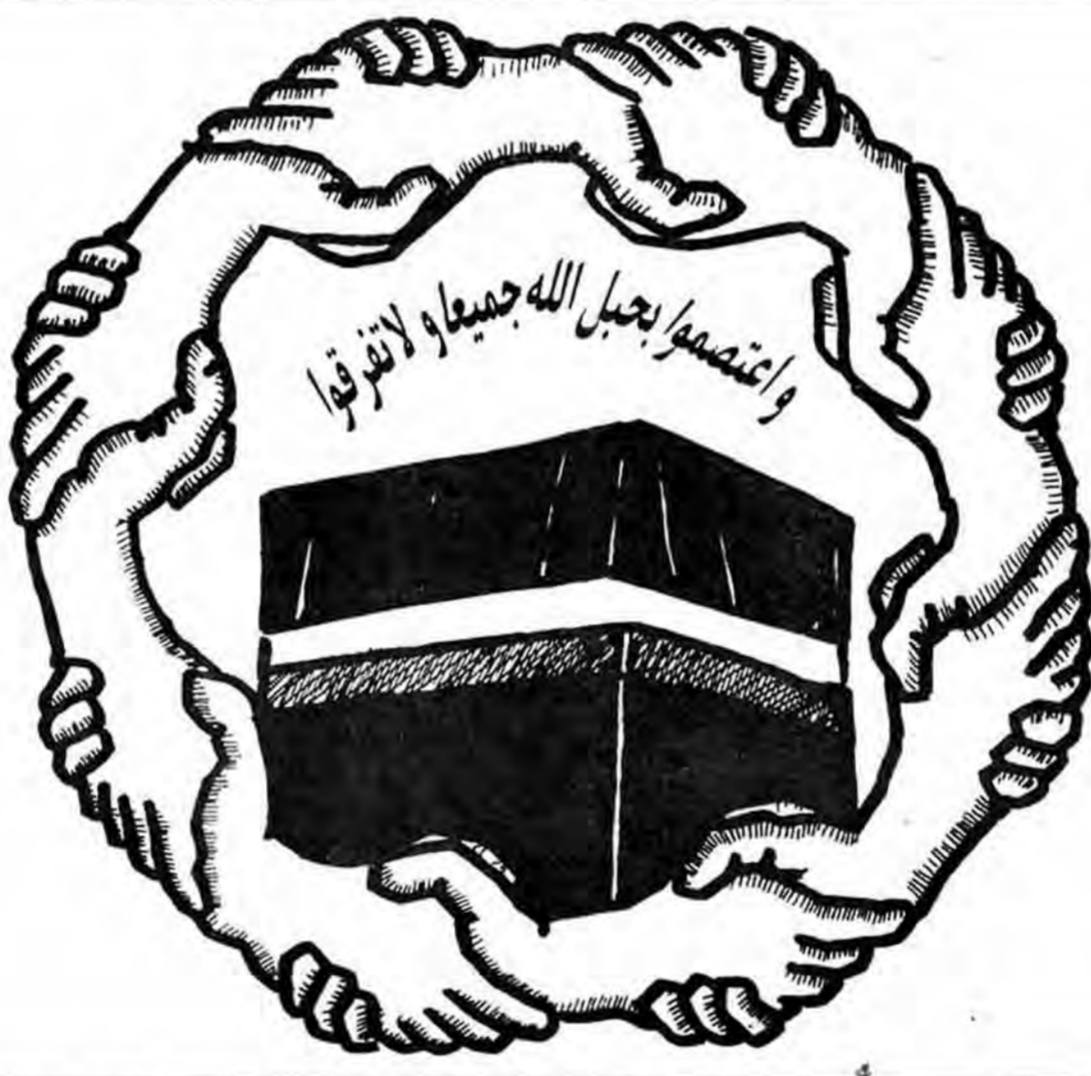
مساعدت او نیازمند است و این هر دو موجب فساد و تسباهی استعدادهای و امکان های طبیعی است (و ادا تولی سعی فی الارض لیتقصد فیها...) از فساد و تسباهی استعدادهای، سستی و بی بنیادی آن نظامی که وی محافظ و ضامن اوست نتیجه میگردد. پس فساد مستکبرین که موجب ضعف و نابودی و

تحقق پذیرفته باشد. مثلاً سلطه ی ظالمانه ی اسانی بر انسان دیگری، باطل است زیرا وضع طبیعی و فطری جهان- بر مبنای جهان بینی ادیان الهی- آن است که انسان از اطاعت و عبودیت هر کس جز خدا، آزاد باشد. تقسیم نابرابر ثروتها و موجودیهای طبیعت میان انسانها به صورتی که با نیاز طبیعی آنان متعادل نباشد

فطرت، قابل دوام و بقاء نیست و در صورتیکه دچار معارضه درگیری حق شود بطور حتم، محکوم به روال و فناست. و حق هر آنگاه که کوشش و تلاش در راه آن انجام گیرد بطور حتم قابل تحقق و قابل تداوم و بقاء میباشد. و پیام انبیاء از آنجا که پیامی بر طبق حق است ناگزیر می باید بر سطوت و سلطه ی وضع

بحثی در نبوت

بمناسبت میلاد مسعود رسول گرامی اسلام «ص»



اشاره شده چنین است: ۱- طبقه مستکبر از آنجا که فقط به سود خود می اندیشد، سود و صلاح جمع را نیز جز به دیده ی وسیله ای برای سودمندی خود نمی نگرد، یعنی فقط آنها که بهره مندی جمع مقدمه می باشد برای بهره مندی هر چه افزونتر او، بدان رضا می دهد. نتیجه یی که بر این آزمندی مترتب میگردد دو چیز است: نخست کوشش در نابودی هر استعداد و امکانی که اگر هم برای او زیان بخش و با منافع آزمندانه و خواستهای نامحدود او ناسازگار است، و دیگر اسماک و امتناع از بدل کمک خود در آنجا که استفاده و بهره گیری از آن استعداد و امکان، به کمک و

خلل پذیری دستگاه اوست خود از بزرگترین کمک کارهای دعوت و پیروزی نبی است. (برای تفصیل در این باره، واژه ی فساد و مشتقات آن در قرآن مورد مطالعه یی دقیق قرار گیرد و «مصادق های فساد» و «طبقات مسفدین» و چگونگی تأخیر فساد در تسباهی اوضاع، و سرانجام فساد انگیزان» دقیقاً در آیات مربوطه مشخص شود) ۲- باطل یعنی هر آن «وضع» یا «قضاوت» و بطور کلی هر آن پدیدمی که به اختیار و انتخاب بشر، بر خلاف جهت قوانین طبیعی و فطری، بوجود آمده و حق یعنی هر آن وضعی یا قضاوتی و با هر پدیدمی دیگر که بر طبق روال طبیعی و در مجرای قوانین جهان آفرینش

باطل است. زیرا خداوند همه ی معتمدهای مادی جهان را برای همه ی اسبابها آفریده و نابرابری و تبعیض، عملی و برخلاف وضع و روال طبیعی و حلقی است. اعتقاد به نفی خدا یا وجود خدا یا تعدد یا به صفات ناشایسته برای خداوندگار باطل است، زیرا این همه قضاوتهائی برخلاف واقع است... اینها و صدها مثال دیگر، نمایانگر مفهوم حق و باطل است و تأیید کننده ی این فرمول که حق یعنی برابری پدیدمی فکری و ذهنی با واقعی با قوانین و سنن طبیعی و فطری، و باطل یعنی نقطه ی مقابل حق. از این بیان به آسانی میتوان استنباط کرد که باطل بخاطر همین صدمت با طبیعت و

جاهلی و باطل مدعیان و سر کشتان و مستمگران و طاغیان معارض خود پیروزی گردد. و این همان قناون قطعی آفرینش و تاریخ است که در جددین جای قرآن بدان اشاره شد و بر اساس همین قانون، وعده ی پیروزی نبوتها بر معارضاتشان داده شده است. نکته ی قابل توجه آن است که یک وضع جاهلی و باطل، ای بسا که بخاطر انطباق با قناون دیگری (از قبیل این قانون که خواستن همراه با صبر توانستن است) بتواند تداوم و برپائی خود را حفظ کند، آنچه دربارهی بی بنیادی و نابودی باطل در برابر حق گفته شد، فقط در زمینه ی معارضه و مبارزه ی این دو نیرو یعنی صحنه ی پیکار حق و باطل است. در چنین موردی است که

پیروزی حق بر باطل، همچون پیروزی جریانی طبیعی بر حرکتی برخلاف جریان است.

ب- در رابطه با طبعی مستضعف نیز فقط به چند سنت الهی اشاره میکنیم. ۱- جمع کم، اگر پیوسته و استوار باشد بر جمع زیاد پیروزی. این ادعائی است که گویاترین گواهی آرموهای تاریخ انسان است. مهم ترین عامل پیروزیها که غالباً همه ی عوامل کمی و طبیعی و جغرافیائی نامساعد را تحتالشعاع قرار داده- این دو عامل کسفی است. پیوستگی و استواری. تا این بخش مسئله، جای گفتگو نیست، مهم آنست که بینیم چه انگیزه یا عاملی می تواند جمع را پیوسته و استوار سازد. آنچه فردهای ممتاز و جدا را به صورت یک جمع متحد درمی آورد، احساس اشتراک در نیاز، در اندیشه، در راه و هدف است. گذشتن از حصارهای فردگرایانه و یا برداشتن این حصارها است که از فطرتهای جدا و تنها و صعیف سیلی خروشده و پایدار میسازد. و آنچه به این جمع هماهنگ تسبیات و استواری می بخشد ایمانی راسخ و مشاهده ی روش و قرجمی قطعی است و این همه در دعوت انبیای الهی- میسران رستگاری و آرمان یابی انسان پیش بینی شده و تدارک دیده است.

جامعه ی عادلانه ای که در آن همه ی نشانه های پستی و دناوت بشر محو شده باشد، نعمتهای خدا متعلق به همه ی انسانها باشد، تحکیم و نامهربانی و آزار نباشد، تهیدستی و سرگردانی و پربشانی و رکود و توقف ریشه کن گردد. و بالاتر از آن، تعالی روحی و معنوی پیراسته شدن از همه ی رذائل اخلاقی، هر چه بر دیگر شدن به خدا، دست یافتن بر موجدیات خشودنی خدا و فراهم ساختن خوشبختی و رستگاری جاودانه.

این است مهم ترین بیانه های انسان و این است آنچه در پرتو تشریح و سازندگی انبیا صامس بردیک کردن و آشناساختن دلها به یکدیگر است. اینجا اردوگاه آدمی صورتان جهان حصار و دیوار پستان خودخواه وجود کام نیست تا صلحت اندیشه های اختصاصی و تصعیه حسابهای شخصی مطرح گردد صحنه عسبان مستضعفان و محرومیت دیدگان است که همه باهم و مانند هم تشنه ی برقراری عدل اند و عاشق جهانی سرشار از صفوا و مهربانی و دلزده و خشمگین از هر چیزی که خسراز خودگامی و رور گوئی دهد... و بالاتر از آن، میدان تلاش و حرکت گرویدگانی است که رضای خدا و معیم زندگی جاودانه را پذیرفته اند تساه بهای آن حتی ارجان شیرین بگذرند... کسانی که در این راه مردن را ناپسند

بقیه در صفحه ۱۵

نگارش: علیمحمد نقوی

امام صادق علیه السلام

تدوین کننده «پیام» بصورت «نظام»

کرد که هر کدام پایه گذار شاخه‌ای از معارف اسلامی و بنیانگذار رشته‌ای از دانش بشری گردید.

علاوه بر نکته فوق شرایط فرهنگی آن دوره نیز ایجاب میکرد که برای حفظ موجودیت سیمای راستین اسلام اقدام به تدوین مکتب بعمل آید.

دوره امام صادق (ع) دوران رخنه و نفوذ افکار و اندیشه‌های بیگانگان در جهان اسلام است. موج افکار یونانی، اندیشه بودایی، مسیحی، مزدکی و الحادی در جهان اسلام گسترش یافته و «شرق زدگان» آنروز مسلمانان را به مناظرهای آزاد طلبیده و اسلام را به مبارزه خواسته بودند که البته شیوع افکار بیگانه ناشی از دو عامل بود.

الف: گسترش مرزهای جغرافیایی جهان اسلام که موجب شده بود جهان اسلام شامل بسیاری از کانونهای اندیشه بیگانه چون اسکندریه و هرت و گندیشاپور گردد و اندیشمندان بیگانه در دنیای اسلام پراکنده گردند.

ب: تشویق دستگاههای حاکمه که بخاطر انحراف توجه جامعه از مسائل اصلی و دردهای اجتماعی سیاسی و ملاحظاتی مکتبی را به مسائل فرعی فلسفی و کلامی مکتب بیگانه سوق داده و تقویت مینمودند.

در این شرایط لازم بوده که دیدگاههای اصیل اسلام را جمع به مسائل فقهی، کلامی، فلسفی، و غیره مدون گردد تا جامعه دچار سردرگمی فکری و آشفتگی عقیدتی نگردد.

در همین دوره هیئت حاکمه برخی عناصر وابسته را بسج کرده بودند که تفسیر رسمی از نظامات اسلام را تدوین کنند و بدینسان خطر سوء تفسیر حقائق اسلامی و کم مسخ شدن سیمای واقعی اسلام نیز

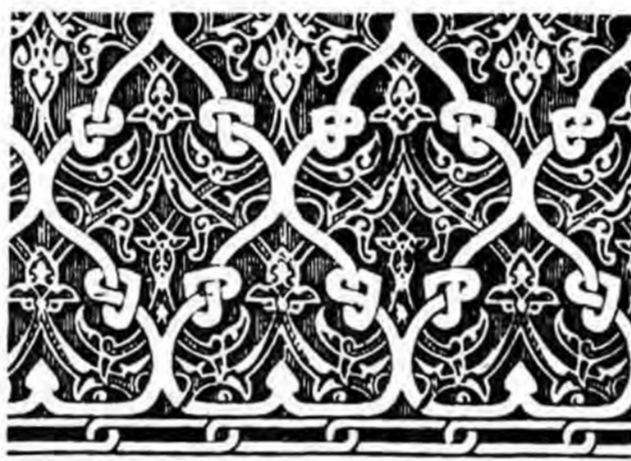
وظیفه وی در آن زمان تدوین مکتب و عمیق بخشیدن به مبانی عقیدتی شیعیان و گسترش معارف اسلامی و ایدئولوژی الهی است. کار امام کار یک «اسلام شناس» و «محقق» و «دانشمند» محض نیست بلکه رسالت یک رهبر الهی و پاسدار نهضت انقلابی اسلامی بود که بنا به پیش روی امامت تشخیص داد که رسالت اصلی وی «فردسازی» و «جامعه سازی» و تدوین مکتب و پرورش عناصر متمهد و انقلابی است.

امام با در نظر گرفتن ضرورت تاریخی- اجتماعی- سیاسی چنان تشخیص داد که بجای مبارزه کور کورانه و عملزدگی که در آن زمان در رفتار برخی از مجاهدان فرقه کیسانیه و زیدیه مشهود رسیده، لازم است که «ایدئولوژی مبارزه» و «مکتب اسلام» تدوین و بسط شود تا توده‌ها گسترش مبارزه را در بارها و عناصر وابسته بلندگوهای تبلیغاتی رژیمها نتوانند تعالیم اهل بیت را از صفحه روزگار محو سازند.

امام چرا این زمان را برای گسترش مکتب تشیع و تدوین ایدئولوژی مبارزه مناسب تشخیص داد؟ دوره امام صادق (ع)، از نظر سیاسی دوره رقابت‌های شدید سیاسی و جنگ زرگری در داخل هیئت حاکمه و اصطکاک بین امویان و عباسیان بوده، هنگامی بود که از یک طرف بنی‌امیه روزه

بیر عنوان میشده است که آن نیز مبتنی بر یک فکر انحراف آمیزی است. در اینگونه تحلیلهای تلاش میشود که امام صادق (ع) را بعنوان صرفاً یک مبارز سیاسی که همواره در صدد فراهم کردن مقدمات یک کودتای سیاسی بوده مطرح کند. این برداشت نیز بر یک فکر انحراف آمیزی مبتنی است و آن «عملزدگی» و کم

هشامها و منصورها را نقش بر آب ساخت و امام صادق (ع) هدف مقدس امامت را از طریق تدوین تعالیم راستین اسلام بصورت «نظام» دنبال کرد. از این پس نهضت تشیع چنان آسینا پذیر گشت که علیرغم بدترین شکنجه‌ها، اختناقاتها و یورش‌های سیستماتیک در بارها و عناصر وابسته، تشیع در سراسر جهان گسترش یافت



■ دو نوع فکر انحرافی در خصوص امام صادق (ع) مطرح است یکی نظریه‌ای که آنحضرت را فقط یک محقق و دانشمند و اسلام‌شناس معرفی مینماید و دیگری بینشی است که ایشان را صرفاً یک فرد سیاسی کاری که بدنبال زمینه‌سازی کودتا بر علیه خلفا بوده است میشناساند.

سپاه دامن به کار زیربنایی ایدئولوژیک و تدوین مکتب و ساختن عناصر مؤمن و متمهد است. اینها در دست از نویسندگان شواهد تاریخی را بیشتر را به گسترش معارف میدول داشته است با سخن «مذکر خواهانای» تاویل و توجیه میکنند یا حتی نادیده میگیرند.

روش درست مطالعه و پژوهش‌های زندگی و سیره امامان این است که آنان را آنگونه ببینیم که بودند و در صدد پیروی از «اسوه» آنان و تطبیق قالب‌های فکری و عمل خود با رفتار آنها باشیم. اینگونه آنان را آنگونه ببینیم که مامیخواهیم و در صدد تطبیق «سیره» آنان با قالب‌های دلپسند خود باشیم. ■■■

واقعیت تاریخی این است که امام صادق علیه السلام سایه سینه‌های الهی امامت تشخیص داد که بزرگترین

پسرچهار انقلاب اصیل اهلانی در طی تاریخ گشت.

در باره امام صادق (ع)، دو نوع برداشت و تحلیل وجود دارد.

یکی از برداشتهایی که شیوع پیدا کرد و خاورشناسان مغرض نیز کوشیدند این برداشت را تقویت کنند امام صادق را بعنوان یک «دانشمند» بزرگ معرفی میکنند که خود را از مسائل سیاسی کنار کشیده و تنها مشغول درس و تدریس و تربیت شاگردان بود. این برداشت امام را جداگانه تا تدوین کننده و فقه جعفری، تنزل میدهد و آنرا کسانی رواج دادند که در صدد سلب مسئولیت مبارزه اجتماعی- سیاسی از خود و جامع‌مانند.

در مقابل آن در سالهای اخیر از جانب برخی عناصر «انقلابی» و «پا» «شبه» انقلابی» یک برداشت دیگری

شیعه که مبتنی بر توأم ساختن «پیام» با «اقدام» و سپس در آوردن «پیام» بصورت نظام بوده موجب شد شیعه همواره تشخص و شخصیت مکتبی و ماهیت انقلابی، اسلامی خویش را حفظ کند.

هدف ثابت استراتژی امامان عترت علیهم السلام پاسداری از اسلام، دفاع از مکتب و مبارزه مستمر با نیروهای ضد اسلامی بوده و برای تحقق این هدف بر حسب شرایط و نیاز زمان شیوه‌های گوناگون را بکار می‌بردند. گاه از طریق قیام به شمشیر و گاهی از طریق مبارزه عمیق فکری و گسترش معارف اسلامی و گاه از طریق نیایش این رسالت عظیم را انجام میدادند.

رهبری شیعه هیچوقت گرفتار «تسک بصدی شدن» و «عملزدگی» نگردید و برخلاف جنبش کیسانیه و زیدیه تنها متوجه جبهه سیاسی نبود بلکه توجهش را به جبهه ایدئولوژیک نیز معطوف داشت.

اژه ما همواره به ضرورت همراه ساختن «اقدام» با «پیام» و سپس تدوین «پیام»

■ اژه ما همواره به ضرورت همراه ساختن «اقدام» با «پیام» و سپس تدوین پیام بصورت نظام تأکید داشته‌اند

بصورت «نظام» تأکید داشتند. در تاریخ ما «صفین» و «جمل» همواره و نهج‌البلاغه‌ها را به دنبال داشت و همواره پیشتر «حسین» (ع) «زینب» و «سجاد» (ع) بوده زینب و امام سجاد (ع) «پیام» را حمل مینمودند و سپس امام باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) به در آوردن «پیام» بصورت «نظام» می‌پرداختند.

امام صادق علیه‌السلام مظهر بزرگ مرحله سوم است. مرحله تدوین پیام بصورت «نظام». چون امام صادق (ع) ادامه‌دهنده همان استراتژی واحد الهی است که از آدم شروع شده و از طریق نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد (ص) و علی (ع) و فرزندانش ادامه پیدا کرد، استراتژی دفاع از سنگر اسلام همانگونه که حسین در کربلا با خون خود یزیدها را شکست داد امام صادق از طریق تدوین مکتب نقشهای

کنند و کما در تاریخ جنبش‌های انقلابی مکتبی نشان میدهد که در هر نهضت سه مرحله وجود دارد- مرحله «پیام» مرحله «اقدام» و مرحله «نظام». نهضت در آغاز بصورت «پیام» و «اقدام» تحلی میکند و سپس بصورت «نظام» درمی آید. تا وقتی که نهضت در مرحله «پیام» و «اقدام» است بصورت «نظام» تدوین نگردیده است، همواره در برابر یورشهای بی‌امان نیروهای «ضد انقلابی» و «کفر» و «شرک» آسیب پذیر است و قدرت‌های طاغوتی چشم به خفه کردن آن در نطفه می‌وزند و چون نهضت پشتوانه عمیق ایدئولوژیک و فکری ندارد قدرت‌های طاغوتی انتظار میکشند که «سوخست» تمام شود و شعله‌های جنبش فرو بنشیند. ولی «اقدام» وقتی با «پیام» همراه باشد و «پیام» بصورت «نظام» تدوین گردد، دیگر جنبش آسیب ناپذیر میگردد. در خود تاریخ اسلام نیز شواهد این امر فراوان بچشم می‌خورد. در دوره امویان و عباسیان، نهضت کیسانیه (پهروان محمد حنفیه) و جنبش زیدیه از قدرتمندترین جنبشهای انقلابی محسوب میشدند ولی چون این جنبشها دچار «عملزدگی» گردیدند و جنبه «اقدام» بر جنبه «پیام» چیره شد و «پیام» هیچگاه بصورت «نظام» درنیامد، قدرت‌های اموی و عباسی توانستند این جنبشها را از صفحه روزگار محو سازند.

استراتژی جنبش زیدیه بسوی عملزدگی انحراف پیدا کرد. و توجه کافی به «پیام» و تدوین آن بصورت

«نظام» مبدول نگشت. نتیجه این شد که حماسه‌های پرشور حضرت زید و فرزندش یحیی که با قیام خود روزه را به لرزه درآورده بود به یاد فراموشی سپرده شد و بخاطر نداشتن پشتوانه ایدئولوژیک و مبانی مستقل فکری زیدیه کم کم در فرقه‌های دیگر تحلیل رفت و جنبش اسماعیلیه نیز به همین سرنوشت دچار شد. اسماعیلیه که در قرن پنجم و ششم و هشتم هجری آنچنان قدرت نیرومندی را بوجود آوردند که خلافت را منقحر کردند نفوذ آنها در آن موقع در میان توده‌های الموت و طبرستان و سمرقند بقدری عمیق بوده که انقلابات بزرگی را در آن مناطق برپا کرد و دستگاه خلافت سلجوقیان را بیچاره کرد، ولی چون «پیام» را بصورت «نظام» در نیاروندند جنبش دچار رکود و انحراف گردید. ولی استراتژی الهی امامان

فریاد منادیان وحدت

نگارارش حججه الاسلام اسدالله بیات نماینده محترم مردم ماهنشان



● آیا مسلمانان دنیا از این جهت غفلت کرده‌اند که عامل جدائیها و تفرقها و تشتتها ایادی شیطان و غارتگران بین‌المللی هستند.
● مسلمانها بجای اینکه متحد باشند و در سایه حاکمیت قوانین اسلامی دست رد به سینه دشمنان خدا بزنند متفرق شدند و پراکنده گشتند.

بسم الله الرحمن الرحیم
ای مسلمانان جهان نرسیده‌اند بر اینکه احساس کنند که وحدت و اتحاد در میان آنان لازم و ضرورتی است و آیا نرسیده‌اند بر اینکه در سایه وحدت و صفوف و مشکلی آنان بارمانهای امیل الهی و انسانی خواهند رسید و آیا مسلمانان دنیا از این جهت غفلت کرده‌اند که عامل جدائیها و تفرقها و تشتتهای

آیادی شیطان و غارتگران بین‌المللی است تا بتوانند در اثر تفرق و پراکنده‌گی ماها بمایمال حیوانی خودشان نایل گشته و ذخایر مسلتهای اسلامی را غارت کنند.
و آیا غفلت دارند از نحوه برخورد قدرتهای بزرگ شیطان با جهان اسلام که چگونه توسط آنها صورت میگردد و با چه قدرتها و شیطنتها میکوشند مسلمانها را تکه تکه کرده و تعبیر قرآن (شیخ) فرقه فرقه و حزب و گروه گروه بسازند در نتیجه زمینه حاکمیت قوانین خدا و تشکیل امت اسلامی و آزادی و رهائی محرومان و مستضعفان جهان که اساس دعوت و بعثت انبیاء الهی را تشکیل میدهد منتفی سازند و حاکمیت طسافوت را جایگزین حکومت الله نمایند و آنها زمامداران باصطلاح اسلامی بیدار نمیشوند و توجه ندارند که اینهمه حق کشیها و حمام خون تفکیک دادتها در لبنان و در افغانستان و این همه تعدیها

الله لکم آیاته لعلکم تهتدون^(۱)
ضرورت وحدت و لزوم اتحاد میان امت اسلامی و مسلمانان جهان را در قرآن دیده و باور مینمودند ریشه همه این گرفتاریها و بیچارگیها که در طول تاریخ دامگیر جهان اسلام شده و تا امروز هم ادامه یافته است تفرقه و تشتت مسلمانها است.

قرآن و وحدت:
مالی و اقتصادی و شهادت دهها هزار از بهترین فرزندان اسلام شده و هزاران مسائل دیگر همه و همه برای دین است مسلمانها بجای اینکه متحد باشند و در سایه حاکمیت قوانین اسلامی دست رد به سینه دشمنان خدا بزنند متفرق شدند و پراکنده گشتند! از نظر جغرافیای پراکنده و از نظر سیستم حکومتی پراکنده و از نظر برخوردها پراکنده و با کمال تأسف یک میلیاردر مسلمان با این همه کثرت و قدرت و شوکت بساین وضع رقتبار مبتلی شدند که همه میدانیم تا کسی در خواب غفلت باید بمانیم و تا کسی در اثر تفرق و تشتت تن بساین ذلتها بدهیم که همه چیز داشته باشیم از همه ذخایر و منابع فراوان داشته باشیم اما با اینهمه دست نیاز بسوی غرب و یا شرق دراز کنیم آیاتخوانند ایم حکم صریح قرآن را که میفرماید:
ولن یجعل الله للکفرین علی المؤمنین سیلاً^(۲)
خداوند سلطه کافران را بر مؤمنان ممنوع اعلام کرده و در هر صورت راه نفوذ و تسلط آنان را بر مسلمانها بسته است.

و آیا این حدیث بسیار بالا و پرمتنوی را از رسول اکرم اسلام هم فراموش نمودند که میفرماید:
المسلمون یذواحده علی من یشاؤون همه مسلمانان جهان باید یکدست و دارای یکقدرت و یک وجه باشند در مقابل دیگران آری وقت هشجاری و بیداری و وقت تکان خوردن و حرکت کردن بسوی تشکیل وحدت جهان اسلام و قطع دست اجانب از حریم اسلام و مسلمین.

ملاحظه میکنید قرآن چقدر دقیق و صریح و جالب با مسئله برخورد کرده است در آیه ۱۰۲ سوره نساء خطاب بمؤمنین میفرماید:
ای کسانی که ایمان آورداید تقوی داشته باشید تقوی سیاسی و اجتماعی و اخلاقی و در حال اسلام و با وضعی که تسلیم خدا هستید بملاقات خدا که مرگ است



بروید بعد در آیه ۱۰۳ با توجه آیه قیل دستور میدهد اعصاب بحل خدا داشته باشید یعنی دوگانگی و اختلاف را خاموش کرد و شما را از آن بخت و رهایی بخشید و این ست و آیت خداوندی است

تحقق جامعه اسلامی و جامعه با تقوی و جامعها که همه مسلمانان جهان میتوانند امکان ندارد مگر اینکه همه اعصاب بحل الله داشته باشند
● ریشه همه این گرفتاریها و بیچارگیها که در طول تاریخ دامگیر جهان اسلام شده و تا امروز هم ادامه یافته است تفرقه و تشتت مسلمانها است.
● قرآن مقدس علاوه بر اینکه بر اصول وحدت تاکید دارد و از خطرات گروه گسروه شدن جلوگیری بعمل آورده است یادآوری گذشتهها و جریانات قبل را کرد و گوشزد نموده است.

و از تفرق و پراکنده‌گی بهره‌بریزد قرآن مقدس علاوه بر اینکه بر اصل وحدت تاکید دارد و از خطرات گروه گسروه شدن جلوگیری بعمل آورده است یادآوری گذشتهها و جریانات قبل را کرد و گوشزد نموده است بسیدای آورد نعمت بزرگی را که شما داشتید در آتش تفرق میسوختید و خداوند بسا مبعوث شدن رسول اکرم (ص) و رهبری ایشان در میان شما اخوت و برادری و الفت و وحدت را ایجاد کرد.
و شما در یک صف قرار داد و شعله‌های نفاق و

دل محرومان و مستضعفان جهان اشراق نمایند واعصوا بحل الله جمیعاً ولا تفرقوا.
واز انقلاب مقدس اسلامی ایران وفرستی که این انقلاب الهی در جهان ایجاد کرده است وموقعیتی که اسلام بدست آورده است وقدرت جدیدی که در مقابل ابرقدرتهای شرق وغرب بوجود آمده وتزلزل که باندان ائمه الکفر افتاده و آنها را نگران ساخته است عبرت گرفته ووحدت امت اسلامی ایران را که در کنار خود عرب وعجم وترک وفارس وستی وشیشه را قرار داده وسایه اخوت اسلامی را در میان آنها گسترش داده وهمه را با هم برادر کرده است واز دست آوردهای انقلاب مقدس اسلامی ایران است الگوقرار دهند. ودر جهان باز وسیع این موضوع را تجربه کنند تا در سراسر جهان وحدت در سایه اسلام لباس عمل پوشیده وفصلها پروارتباطات محکم وروابط اقتصادی وسیاسی واجتماعی وفرهنگی در میان خودشان باشد ودر مقابل آنها قدرت بزرگ اسلام را بنمایش بگذارند ودر تحقق این معنی از همه امکانات واز هر فرصت باید استفاده کرد و از عوامل تفرقه و تشتت هرچه باشد و بهر کسی باشد پرهیز نمود و لذا ما امیدواریم علمای اسلام و ائمه جمعه و جماعات اساتید و اسلامشناسان و علاقمندان آزادی مسلمین و رهائی محرومان در این راه مقدس از هیچ کوششی فروگذاری ننمایند و از رهنمودهای امام امت و رهبر مستضعفان جهان پیروی کرده و از هدایتها و ارشادهای سازنده و ابستکار حضرت آیت الله العظمی منتظری تبعیت نموده و با تشکیل سمینارها و مسافرتها و مقالات و کنگرهها و امثال ذلک بارزوی نبی اکرم اسلام عینیت ببخشند و بساین وضع رقتبار جهان اسلام و سلطهجویی مقدسان و اعداء اسلام و غده سرطانی مانند اسرائیل پایان دهند.
انی تنصرالله بنصرکم و بئیت اقدامکم- یکی از راهها نصرت خدا نصرت بر دین خدا است و نصرت دین خدا امکان ندارد مگر اینکه متحد باشند و از نزدیک بدره هم برسند و ایادی دشمنان را از حریم مملکت قطع نمایند. سراسر جهان قطع نمایند.
(۱) سوره نساء آیه ۱۴۱
(۲) آل عمران ۱۰۳

پیام وحدت

هله برخیز و بخوان صفحه‌ی از دفتر وحدت تا در این هفته سخن ساز کنیم از سروحدت فتنه راهای ببندیم، به سرپنجه ایمان عشق را ره بگشاییم به سال و پسر وحدت میتوان زیستن آسوده اگر ریشه بگیرد نخل توحید که آرد همه برگ و پرو وحدت درس توحید بود سرخط آزادی انسان بانگ تکبیر بود نغمه جان پرور وحدت تابه ذرات جهان گرمی توحید بسخشد رخ برافروخته خورشید بلند اختر و چتدت سرمه دیده احباب نماگرد رهش را کامداز گرد ره امروز پیام آور وحدت روز میلاد نبی امت مرحومه به شادی معو پیغمبر رحمت شد و پیغمبر و چتدت به دعا دست بر آریم مگرامت مسلم متحد گردد و شیرازه کنند دفتر وحدت می شود اهرمن تفرقه زین خطه گریزان گر شود امت ما حلقه به گوش در و چتدت ذره خورشید شود لیک به بال و پر همت قطره دریا شود اما همه در بستر و چتدت روز گاری است که با لطف خداوند تعالی چهره «پیر جماران» شده روشنگر و چتدت سجده شکر به درگاه خدا کن که «خمینی» رهبر امت اسلام شد و مظهر وحدت رهروان ره توحید ندارند پسناهی بجزاین «نایب مهدی» که بود رهبر وحدت مکتبش عترت و قرآن، سخنش سیر مونس منظرش منظر حق محضر او محضر وحدت امت ما و امامند همان امت واحد

ارثش ما و سپاهند همان لشکر وحدت باش تا بامد دبت شکن دهر «خمینی» سایه بر تارک گیتی فکند افسر وحدت

اینک ای قوم عرب از سراخلاص بجوئید در طنین سخن «روح خدا» جوهر وحدت وای بر امت مسلم اگر از عقد اخوت شرق تا غرب جهان را نکند سنگر وحدت خاک بر فرق «امام الحرمینی» که نبیند در طواف حرم کعبه شکوه و فرو وحدت نایسامانی امت سروسامان نپذیرد کارها تا که نگرود همه بر محور وحدت دست «اشغالگر قدس» اگر قطع نگردد بیم آنست که پامال شود پیگر وحدت ما بر آنیم که در پرتو توحید و نبوت همه عالم شود آراسته با زیور وحدت شد برافراشته با خون «شهیدان بهشتی» رایت «واعتصموا» آیت زیباتر وحدت جبهه محراب شهادت شده از خون شهیدان خاک ایران شده دریا و پراز گوهر وحدت یک چمن لاله خونین شده سرمایه عزت یک گلستان گل پر پر شده، یاد آور وحدت به شهیدان بخون خفته برم رشک از آنرو که کشیدند همه جرعه‌ای از ساغر وحدت خونشان آبروی دین شد و آئین پیغمبر جانشان برخی اسلام شد و کشور وحدت تابود چتر عنایات خدا بر سر ملت طبع سرشار «شفق» باد ثنا گستر وحدت محمد جواد غفور زاده

سنگر توحید

تا پیام رهبر ایران شعار وحدت است از همان ملت ما انتشار وحدت است مسلمین را کی بود از کافران بیم شکست تا شهادت در دل و سربلند شعار وحدت است از منافق پیشه‌گان ما را بدل اندیشه نیست رهبر آگاه ما آئینه‌دار وحدت است مسلمین را خواند بر وحدت امام ما و گفت: روز گسار اتساق و روز گسار وحدت است اینهمه عکس شهیدان بر در و دیوار شهر یاد بود انقلاب و یادگار وحدت است آنکه جان خود فدای دین و قرآن می‌کند ارتش نستوه ما و پاسدار وحدت است آنچه وحشت در دل بسویگانگان انداخته اجتماع مسلمین تحت شعار وحدت است «هفته وحدت» بسود از ایستگار آن فقیه که او مجاهد پرور و خد متگزار وحدت است

آن امید رهبر و امت که از آغاز عمر دشمن شرک و نفاق و دوستدار وحدت است «هفته وحدت» مبارک هفته‌ای شد که اندران روز میلاد نبی (ص) بنیانگذار وحدت است منجی نوع بشر پیغمبر رحمت که او خاتم پیغمبران، آموزگار وحدت است آنکه با قانون انسان ساز خود فرموده است مسلمین را رستگاری در کنار وحدت است می‌شود در روز محشر ایمن از بیم عذاب هر مسلمانی که داخل در حصار وحدت است آنچه باشد حافظ ما از هجوم شرک و کفر سنگر توحید و سد استوار وحدت است چونکه وحدت ضامن پیروزی هر ملتی است «خسرو» از اقشار ملت خواستار وحدت است سید محمد خسرو نژاد

وحدت اسلامی

نوشته: استاد محمد فرید وجدی
ترجمه و شرح از: علیرضا میرزا محمد

را در نوع خود منحصر به فرد معرفی کرده حصول اتحاد و همبستگی میان احیاء مسلمین را ناشی از آن می‌داند. اهمیت این مسأله اساسی و مسائل ارزشمند همانند آن به جهت الهی بودن و اصالت داشتن آنهاست، چون دیگر مکاتب اعم از مکاتب الهی تحریف یافته و پیشین یا مکاتب استعماری و غیر استعماری زائیده اندیشه بشر هرگز از چنین ممنوعیتی والا که بتواند همه فشرهای جامعه اسلامی را در گستردهای جهانی فرا گیرد، خبری نیست. روشنتر بسگوییم که نه

شده است که ایمان امت اسلام نسبت به نخستین کلمه از مجموعه کلمات حیات بخش رسول اکرم در این مقاله مختصر به ضعف و قوتور گراید.

با اعلان نظر در نوشتار استاد محمد فرید وجدی به چند نکته مهم و اساسی می‌توان پی برد که ذیلاً بدانها اشارت می‌رود:

الف: اسلام و امت دو اصل تفکیک ناپذیر هستند؛ زیرا با وجودی که امت اسلامی تنها از راه اعتصام به حبیب الله متین و دربر سرتو کلمه توحید

پیامبر اکرم (ص) نیز بدین حد اکتفا نکرد و چنین مقرر داشت که تلاش کردن در جهت تقویت جامعه مسلمین، اسان را از عذاب روز قیامت مصون نگاه میدارد، عذابی که ظنن هولناکش بدنهارا به لرزه می‌افکند، آنگاه در این باره فرمود:

«کسی که به رفع مشکلات جانفرسا از میان مسلمانان همت گمارد، خدا حسنه ای برای وی منظور فرماید و بر کسی که خدا حسنه نویسد، بهشت برین واجب آید.»

«هر کس چشم مؤمنی را روشن گرداند، خداوند

پس از استقامت یافتن در عقیده و ایمان متوجه عبادت و تقرب جنت به حدایتعالی گشت، پیامبر اکرم (ص) به بیان این واقعیت پرداخت که شب بیداری به منظور حفظ و صیانت جامعه اسلامی از دیگر عباداتی که مسلمین به تقدیس و تکریم آنها اهتمام می‌ورزیدند، برتر و ارزشمندتر است، از اینرو حضرتش فرمود:

«اگر انسان به عین لطف و محبت در چهره برادر مسلمانش بنگرد، نیکوتر از آن است که مدت یکسال در مسجد من اعتکاف گزیده به عبادت

توحیدی که حق و باطل، نور و ظلمت و ایمان و کفر را از هم جدا میسازد. حضرت خنمی مرتبت به ایجاد روح برادری و برابری میان همه احیاء مسلمین و لزوم اتحاد و همبستگی و همکاری بین آنان اکیداً سفارش کرده پس از آنکه میخواست همگان در وحدت و یکپارچگی به مثابه انسان، واحد و متحد با ارادای واحد درآیند، میفرماید:

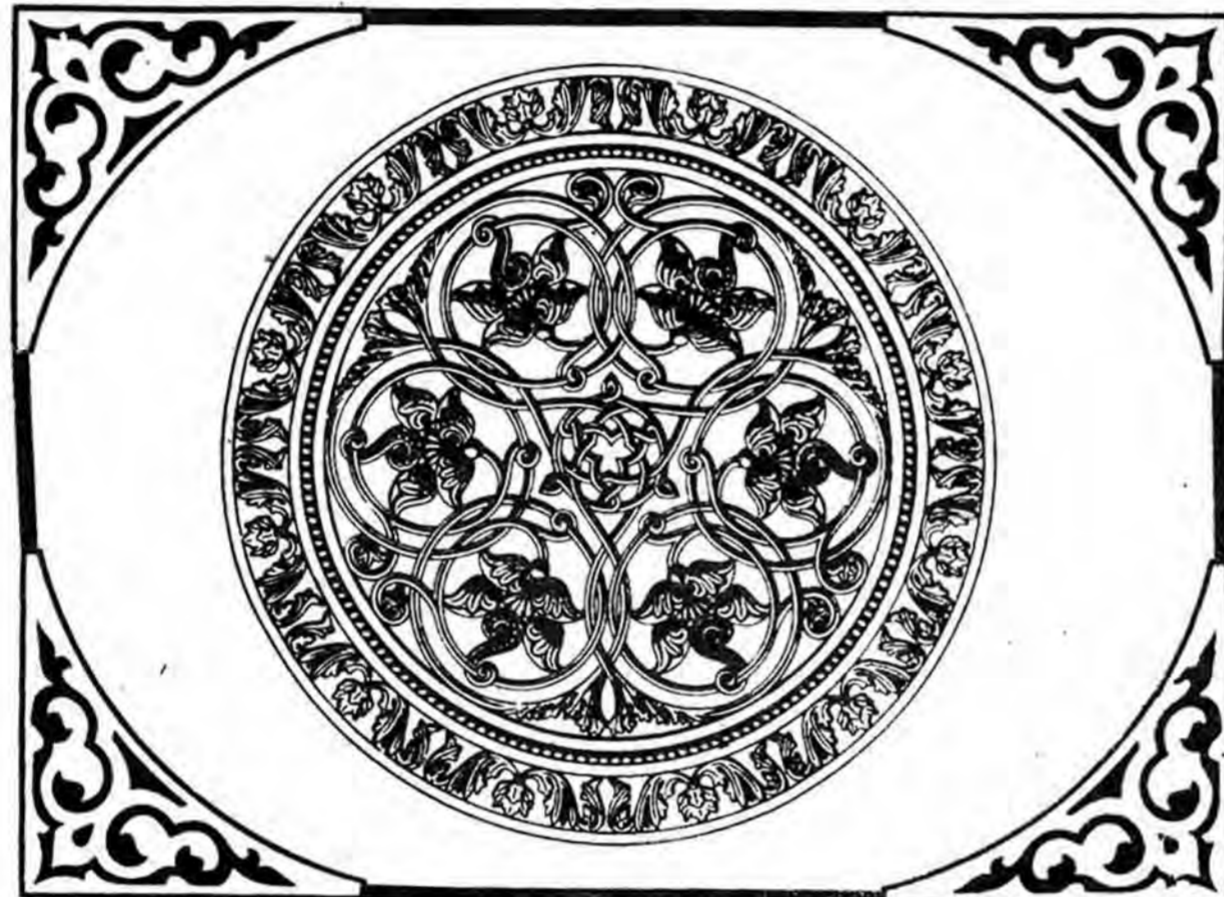
پیامبر عظیم الشان اسلام، حضرت محمد (ص) نیک در یافته بود که اصلاح امور عالم بنا بر اراده و مشیت خدای تعالی، تنها به مدد امت فداکار اسلام امکان پذیر تواند بود، امتی که در نهایت صداقت به همراه حضرتش قیام کنند و نهضت مقدسش را در سرتاسر جهان گسترش دهند، چه اگر این امت در انزوا می‌ماندند، هرگز نمی‌توانستند نقش مهم



■ مجموعه احادیثی که از پیامبر اکرم (ص) در خصوص روابط مومنین نقل شده است چنین مینمایند که اسلام از عموم مسلمانان امت واحدی چونان یک تن پدید آورده است.

■ در این دنیای پر آشوب و غوغا تنها مکتب حیات بخش و حرکت آفرین اسلام است که بر محور اصلی «الله» تمامی ابعاد وجودی انسان را در نظر میگیرد و با اعتقاد به خدای یکتا، کتاب آسمانی قرآن، ایمان به نبوت رسول خاتم (ص) و معاد وحدت مسلمین را متحقق میسازد.

■ هنگامیکه روح وحدت و تفاهم در جامعه اسلامی دمیده شود، واژه تعاون نیز بر اساس اثبات بر و تقوی و نقی اثم و عدوان چهره می نمایاند.



در جهان استعمارگر سرمایه‌داری، سحر و مان و مستضعفان جزو احاد ملت به حساب می‌آیند و نه در دنیای ما دیگری میتوان از عدل و انصاف و برادری و رعایت حقوق بشری اثری یافت. بنا بر چنین اعتقاد و بینش توحیدی است که رسول اکرم (ص) تلاش میکند که وحدت اسلامی را در جهان بسنجانند تا موجب برای افتراق امت اسلام و بسالمال بهره‌برداری مستکبران فراهم نیاید.

ج: نقش فردی و اجتماعی انسان در سرتو توحید؛ این یک واقعیت انکار نشدنی است که انسان

می‌تواند به توحید دست یابد، اسلام نیز بدون امت نمی‌تواند گسترش و انتشاری جهانشمول یابد و اگر بین این دو اصل فاصله افتد، هم اسلام غریب خواهد ماند و هم مسلمین به شکلی پراکنده و ناموزون سرانجام مستزوری خواهند شد و این امر همواره غایت آرزوی استعمارگران و استبداد پیشگان در طول تاریخ حیات بشر عموما و اسلام خصوصا بوده است.

ب: تأکید بر لزوم اتحاد و همبستگی میان مسلمین؛ چون الله مبدء آفرینش است و مسلمین بنا بر اعتقاد می‌توانند تحت لوای واحد توحید درآیند، دیگر حد و مرز طبقاتی و نژادی و قبیله‌ای و غیره مفهومی نخواهد داشت، زیرا میزان برتری انسانها نزد خدای تبارک و تعالی تنها تقوا و پارسایی است، نه زر و رور و تزویر، و از همین روست که استاد فرید وجدی فلسفه زرف و یاریک بین اجتماعی اسلام

چشمانش را در روز قیامت روشن فرماید.»

د: هر گاه دو مومن یکدیگر را ملاقات کنند و بسالم مضافه نمایند، هفتاد امرزش نصیب آنان گردد که شصت و نه امرزش از آن کسی خواهد بود که گشاده رو تر باشد.»

همه این احادیث و بسیاری روایات دیگر که در هیچ اثری جر اسلام همانند ندارد و نیز تاکنون بر زبان هیچ مصلح اجتماعی غیر مسلمان جاری نشده است، از عموم مسلمانان، امت واحدی چونان یک تن پدید آورده است.

و هر گاه امت اسلام بدین حد از انسجام تشکیلاتی و تعاون اجتماعی دست یابند، امکان ندارد که تحت تاثیر حوادث معمولی دچار تفرقه و پیرشانی و ناپسامانی شوند.

بنا بر این، با پدید آمدن هرگونه از هم گسیختگی و تفرقه‌ای می‌توان دریافت که عوامل قوی‌تر از حوادث عادی سبب

پردازد.»

«برقرار کردن صلح و صفا میان مردم از کلیه نماز و روزه با فضیلت‌تر است.»

«هر کس نیاز برادر مومن خویش را برآورد، چنان است که همه عمر خود را به خدمت در راه خدا سپری کرده باشد.»

«هر کس ساعتی از شب یا روز در پی آوردن حاجت برادر مسلمانش گسام برآورد، خواه آن حاجت برآورده شود یا نشود، این اقدام از دوماه عبادت برای وی با ارزش‌تر است.»

همچنین پیامبر به جمعی از یاران فرمود:

«میخواهید شمارا از چیزی که بهتر از روزه و نماز و صدقه است، آنگاه کنم؟»

گفتند: آری، حضرت فرمود:

«ایجاد صلح و صفا میان مردم، زیرا اسناد انگیزی میان مردم مایه هلاکت و نابودی است.»

جهانی خویش را ایفا نمایند بدین جهت حضرتش آشکارا فرمود:

«نیاز مندی اسلام به امت بیش از نیاز مندی امت به اسلام است.»

این کلام موجز و متین بر نظریه زرفی در علم جامعه شناسی دلالت دارد و از چنین فلسفهای در دیگر مکاتب هرگز سراغی نمیتوان یافت. بدین منظور رسول اکرم (ص) تمام تلاش و کوشش خود را در ایجاد جامعه نوین اسلامی آنچنان بکار گرفت که جامعه در طول سده‌های تمدادی و با سیری شدن نسلها دچار از هم گسیختگی نشود تا بدینوسیله توانسته باشد مأموریت خطیر خویش را با اشاعه کلمه توحید در سراسر عالم نیک به انجام رساند،

«مؤمنان در سعادت و دوستی و مهربانی نسبت به یکدیگر همانند اعضای یک پیکرند که هر گاه عضوی به درد آید، دیگر عضوها نیز به شب بیداری و تب با او همدارستان میشوند.»

«کسی که به امور مسلمین اهتمام نوزد، مسلمان واقعی نیست.»

«مومن نسبت به مومن چون ساختمان است که اجزای آن یکدیگر را استحکام بخشد.»

«هیچیک از شما مومن نباشد مگر آنکه هر چه برای خود می‌پسندد، برای برادر خویش نیز بیسندد.»

«کسی که از جماعت برود، به رسم جاهلیت می‌رود.»

«هنگامی که همت مسلمانان صدر اول اسلام

نگارش: حجة الاسلام
عبدالحمید معادیخواه

بسم الله الرحمن الرحيم
همانگونه که از سرکت
وحدت ذرات پراکنده کرات
آسمانی و کیهانهای کیهانی
بسا نهمه عظمت، منجحه
باعظمت آسمان رامتنجلی
میسازد و اربهم پیوستن
میلاردها اتم کره زمین جهت
اسکان و معیشت میلیاردها
انسان پدید آمده و تمام شئون
حیاتی آنها را تین میسازد
که (منها خلقناکم و فیها
نعیدکم و منها نخرجکم
تارة اخری) و جعلنا الارض
کفاتا اعیاء و امواتا و از اتحاد
هزاران میلیارد منکول آبهای
عالم اقیانوسهای بیکران
و آبشارهای عظیم
و چشمهسارهای اطراف زمین
راه عوان مایه حیاتی بشر
اشباع میماید. بپر همانگونه
که اسجام ده میلیون میلیارد
سلول ساختمان بدن انسان
را آماده نفعه الهی و روح
انسانی میسازد.

وحدت و بهم پیوستن
انسانها و اسجام صفوف آنان
و پیوند دلها و گره خوردن
عشقها و محبتهاشان یکدیگر
عزت و عظمتی را در آنها
پوجود میآورد و روحی را در
آنها میدهد که اگر آسمانها
کاعد و دفتر و آب اقیانوسها
مرکب و اشجار جهان قلم
و انسانها ساندادهای غیبی
یعنی جن و ملک دست به قلم
شوند از بیان و توصیف آن
نا تواند زیرا وحدت اربکسو
ارصا دیک کلمه حق است (قل
انما اعظکم بسوا حده ان
تقوموا الله مستشی

و فردای) کونن شما را به یک
کلمه موعظه میگویند و آن
ایست که همه با هم برای
خدا قیام کنید و اداء حق
کلمه حق در بیان و رسیان
نگیند و در حساب باید وجه
ریا بیایی قرآن دارد و لسانها
فی الارض من شجرة اقلام
و البحر یمدده من بعده سبعة
ابحر مائذت کلمات
الله اگر آنچه در حجاب است
قلم باشد و هفت دریا
دوات و مرکب گردد که
کلمات خدا را بنویسند
کلمات خدا به اتمام نمیرسد.
و از سوی دیگر رفسر
پیوستن به ابدیت متکی شده
به قدرت حق کلید انواع
خوشبختیها و رسیدن به
عزت و مجد و عظمت و عامل
استقرار حاکمیت سیاسی.
عقیدتی اقتصادی یک ملت
است و هم او اعظام بحیل الله
و دستاویزی به محکمترین
رسمهای ناگسستی و چنگ
ردن به عروالوقتیهای حق
است.

وحدتی هدفدار دارای
محوری ارزشمند از نیروهای
پاک و مقدس نه وحدت
بی هدف و یا بر محور باطل
در جهت شیاطین.
بر رگی و عظمت موضوع و
مالوانی قلم اقتضای دارد تا
مقدمه ر کوتاه کرده و با
تصویر دورنمای مختصر و
کوتاهی که داریم به سخنان
شیوا و بیان با عظمت
معجزات نهج البلاغه علی
علیه السلام متوسل شده و

وحدت از دیدگاه نهج البلاغه



ذکر شد در صورت مطلوب
است که در راه رسیدن به
اهداف مقدس انسانی و بر
محور مکتب حق صورت گیرد
و این همان چیزی است که
وحدت را به دو قسم حق و
باطل تقسیم نموده و علی (که
بر او درود و هدایتش الهام
بخش زندگی ما باشد) به آن
اشاره کرده و هشدار میدهد
که میباید بگذارید باطل به
وحدت برسد و شما پراکنده و
جدا باشید: والله یمتالقلب
و یجلب الهم اجتماع هولاء
القوم علی باطلهم و تفرقکم
عن حقتکم (خطبه ۲۷)
حضرت در این خطبه ای که
در زمینه جهاد اشاره کرده در
آروزها که جمعی گرد
دشمن اجتماع کرده
وحدت نامقدس باطل
وجود آوردند

میفرماید: جا دارد مسلمان
آرزوی مرگ کند بخدا قسم
دل را میمیراند و اندوه انسان
را برمی انگیزد که اینها جمع
باطلشان فراهم آمده و شما از
حقان گریخته و پراکنده
میگردید و یا آنجا که
میفرماید:

بخدا قسم گمان میکنم
بهین رودی ایشان (پاران
معاویه) بر شما مسلط شده و
حکومت را بدست گیرند زیرا
آنان در راه هدف باطلشان
وحدت داشته و شما در راه
حق دچار پراکندگی شدهاید
(خطبه ۲۵)

و در جای دیگر میفرماید:
همالذین اذا اجتمعوا غلبوا و
اذا تفرقوا نغصوا- هستند
کسانی که اجتماع و
وحدتشان زیانبار است
پراکندگیشان سودمند است
(کلمات قصار شماره ۹۰)

بنابراین هر وحدتی
مطلوب اسلام نیست و بر امت
متحد همیشه در صحنه ضمن
حفظ و تحکیم وحدت مبارزه
با اجتماع و وحدتهای جبهه
باطل امری واجب و ضروری
است در ادعیه ماثوره جهت
پراکندگی و از هم پاشیدن
صفوف دشمنان عسبانی
وجود دارد همانگونه که در
ایجاد الفت و برقراری
وحدت.

امام سجاد علیه السلام در
بیست و هفتمین نیاپش
چنین میگوید: و کلر عده
اشحن اسلحتهم و احرس
حوزتهم و امنع حوزتهم و الف
جمعهم یعنی خدایا عده
مسلمان را زیاد و سلاحشان
را تیز و منطقه و پیرامون آنها
را حراست و دشمنان را از
آنان دور گردان و الفت و
وحدت در جمع آنان ایجاد
کن و در باره دشمنان اسلام
خدایا همانند حادثه جنگ
بدر با امدادهای غیبی و
فرشتگان، شوکت و جیبت
آنها را نابود و نفرت آنها را
از یکدیگر جدا و متفرق سازد.

عوامل وحدت

ار بهترین بستختها و
حساسترین بخشهای این
مقوله بحث پیرامون عامل
وحدت و علت اصلی آنست
ریرا دوام و بقاء هر چیز
مرهون علت و سبب است و
باید دید چه چیزهایی
وحدت آفرین و اتحاد پرور

اختناق ساخته و کسریها و
قیصرها و پادشاهان ظالم را
بر آنها مسلط ساخت زندگی
را چنان بسر آنها دشوار
ساختند که از ریسونترین و
بدبختترین امته شدند که
به پناهگاهی داشتند و نه
سایه الفت و مهربانی که
قدرت و عزت آن پناه و سایه
آنها باشد.

و بپر حال آنها را بررسی
کنید آنگاه که نعمتهای
الهی به آنها روی آورد و این
وقتی بود که خدای تعالی به
برکت بعث پیامبران بر محور
دعوت و ندای خدا آنها را
جمع آوری کرده و الفت و
پیوند را بین آنان برقرار نمود
و درست در جهت مخالف
حالت گذشته قرار گرفتند تا
انجا که غرق نعمتهای الهی
گشته و از آبادی و خرمی
رندگی خوشحال شده و
ریرسایه حاکم الهی و رهبر
آسمانی به عزت و قدرت
رسیدند در سایه ثبات و
استقرار حاکمیت مطلوب
الهی کارها به نفع آنها به
جریان افتاد و فرمانروایان
جهان و سلاطین نفاط
گونگون عالم شدید و مسلط
گشتند بر آنها که قبلا تحت
حاکمیتشان رنج میبردند و
فرمانروا بر آنها که فرمانشان
را گردن نهاده بودند شدند.

اقسام وحدت

آثار و پیامدها و اهمیت
وحدت و اعجاب برانگیزی و
سعادت آوری که برای وحدت

عبرت گرفتن از بدو خوب
امتهای گذشته و امپارادو
در جریان دو حالت
پراکندگی و وحدت چسب
میفرماید: حذر کنید از
گرفتارهایی که بر اثر
بدرقاریها و تباهیها به امته
پیش از شما رسید و عواقب
کار آنها را در نیکی و بدی به
یاد آورید و رهبار که در بدیها
مانند آنان گردید و با مقایسه
دو حالت آن کاری را انتخاب
کنید که موجب عزت و
ارجمندی آنها شده و
دشمنان را نابود و عاقبت
و مصونیت از آفات را برایشان
تداوم بخشیده و نعمتها را در
اختیارشان قرار داد و پیوند
رشته و ریسمان اجتماع را
موجب گشت و آن گسار

عبارتست از دوری جستن از
جدائی و الترام بر الفت و
مهربانی و ترغیب و سفارش
یکدیگر بران و بالاخره دوری
کنید از هر کاری که نفرت
ستون نسل گذشته را شکست
و قدرتشان را تضعیف نمود
مانند به دل گرفتن کینه
یکدیگر و جای دادن دشمنی
در سینها و پشت بهم نمودن
و دست در دست یکدیگر
ندادن و تا آنجا که برای
نمونه دوگانگی سرنوشت
فرزندان اسمعیل و اسحق و
اسرائیل را بیان کرده و
میفرماید در نظر بسپارید
آنگاه که نشئت و جدائی دور
سعادت آنها را مبدل به
شیبهای ظلمانی حقتان و

از درک و بیان آن ناتوانند که
این نعمت منشاء همه نعمتها و
ارزشهای اجتماعی یک امت
است.
ریرا یک امت آگاه و
خواهان کمال و آرزومند
سعادت جهت رسیدن به
اهداف و استقرار حاکمیت و
تثبیت نظامش به پنج چیز نیاز
دارد و میتوان گفت ششمی
ندارد و همه آنها به تمامی
بستگی به وحدت آن امت
دارد.

۱- عزت که بمعنای
واقعی کلمه عبارتست از
استقلال و عدم وابستگی
سربلندی و آزادی
۲- چیره شده بر دشمنان
و توفیق بر نابودی آنان که
سد راه سعادت یک جامعه
است.
۳- بر خور داری از
نعمتهای مادی جهان و غرق
در نعمتهای الهی بودن و در
یک کلمه اقتصاد سالم و کامل
۴- تکیه داشتن بر قدرتی
ربویی ناپذیر و در پناه آن با
اطمینان خاطر آسودن
۵- بر خور داری از سلامت
جسم و عاقبت در دین و دنیا.
چالب و شنیدنی است که
حضرت علی علیه السلام همه
اینها را در گرو وحدت و از
برکات آن بحساب میآورد
در خطبه قاصمه (شماره
۲۳۴)

که امت اسلامی را از تعصب
جاهلیت و بدرقاری استکبار
بر حذر داشته و مردم را به

وحدت را از آن دیدگاه
حقیقت بین مورد بررسی و
مطالعه قرار دهیم و آنچه در
این مقاله محور بحث قرار
گرفته عبارتست از: اهمیت،
اقسام، محور، نتیجه و آثار
وحدت و آثار شوم پراکندگی
و وحدت باطل و بالاخره
حفظ و تحکیم وحدت

اهمیت وحدت از دیدگاه نهج البلاغه

بیانی که حضرت در مورد
وحدت ابراز میکنند در کمتر
موضوعی سابقه دارد و جر
نهج البلاغه علی کسی توان
چنین بلاغتی را ندارد در
خطبه ۲۳۴ ص ۸۱۸
میفرماید: خدا با الفت و
پیوندیکه برکت رشته محکم
ولایت اسلام در میان این امت
بر آنها برقرار کرد تا در سایه
بلند و با عزت آن جا گرفته و
در کف حمایتش رندگی
کسند منت نهاده و
و نعمتی را بر آنها اوری
داشت که هیچیک از
مخلوقین قیمت و ارزش آنها
نمیداند ریرا آن نعمت
(وحدت در سایه دین) از هر
بهاء و ارزشی افروتر و ار هر
موقعیت و عظمتی بالاتر
است.

از این بیان رسا و بلند
بحوبی این معنی مفهوم و
مشهود است که الفت و پیوند
وحدت بین افراد و اقشار و
ملت بسالترین و برترین
ارزشهای منصور است که از
شاحت آن همه ملتها عاجز و

میباشد علی علیه السلام دو چیز را عامل وحدت میدانند که در ذیل میآوریم:

۱- دین و مکتب ۲- رهبر پیامبر، امام فقیه را که در ابعاد و نشون مکتب امت را رهبری نموده و بر محور آن انسجام مردم را حفظ و تحکیم کرده و مانع اختلاف و نزاع آنها خواهند بود علی علیه السلام در آنجا که می بیند عداوت از مسلمانان نماها به سرگردگی نعمان بن بشیر زیر چتر شوم و شیطانی عین الامر برافروخته و پاره ای اربابان و اصحاب خودش نیستند خطاب به آنها کرده سقرماید: بمنظور یساری کردن پروردگارتان در انتظار چه هستید چرا علیه ظلم و نفاق بیخ و متحد نمی شوید اما دین یجمعکم ولا حمیه تحشمکم- آیا دینی نیست که شما را گرد آورد آیا حمیت و غیرت دینی ندارید تا شما را علیه دشمنان بسه خشم واداشته تا بر آنها هجوم آوردید؟ (خطبه ۲۹)

مکان النظام من الجزی خطبه ۱۴۶

یعنی سرپرست و مستعدی امر رهبر در میان مردم نقش رشته و ریسمانی را دارد که مهرها را به هم پیوند میدهد و همانند نخکی که دانه های تسبیح را یکجا کنار هم قرار میدهد همانگونه که این رشته مانع از هم پاشیدن مهرها است رهبر دینی و امام امت مانع از هم گسستن شیرازه نظام ورشته الفت و پیوند جامعه اسلامی است و هم او مصداق حیل الله المتین و عروه الوثقی حق است که چنگزدن به آن جلوگیری از انفصام خواهد بود که لانفصام لها-

نتیجه و آثار وحدت

اگرچه از بحثهای گذشته به ویژه بخش اهمیت و ارزش وحدت از زبان مولای متقیان نتایج و آثار آنرا می توان حدس زد ولی حق اینست که حق سخن را چیزی جز بیان بلیغ او که خود اخوالرسول و کلامش احسوالقرآن است هرگز ادا نخواهد کرد که

والای الیسوی و سعادت الهی بر خوردار است و در یک جمله ساید گفت آنچه از لطف و کرم پروردگار جهان انتظار می رود در اختیار خواهد داشت و چون سایه حدارا بر سر دارد عبرت دارد که «ان السعزه لسه و لرسوله و المؤمنین» همه نعمتها در اختیار اوست که «ولله ملک السموات والارضی قوی و نیرومند است که «ان الله تقوی عزیز» و پایی ویژگی



دشمنان هر چند مظاهر قوی و نیرومند باشند نمی توانند آنها را از پای در آورند و... زیرا هر کس خدا دارد چه ندارد و هر کس خدا ندارد چه دارد؟

و باتوجه به این همه آثار پر بار و مبارک می توان بخوبی به آثار شوم و مرگبار تفرقه و پراکندگی پی برد که در اینجا نیز مولی علی علیه السلام ضمن نقل تاریخ و سرگذشت عبرت انگیز گذشتگان بدین ترتیب سخنانی دارد، فاعتر و انحال ولد اسماعیل و بی اسحق و

اشکال مختلف و در لباس های گوناگون از طریق دوست و دشمن.

و از ایتروی علی علیه السلام در حفظ وحدت چنین می فرماید: فایاکم والتون فی دین الله فان جماعه فیما تکرهون من الحق خیر من فرقه فیما تحبون من الباطل وان الله سبحانه لم یعط احداً بسفرقه خیراً ممن یعطی ولا ممن بقی- (خطبه ۱۷۵)

یعنی ای مردم از دورنگی در دین خدا پرهیز کنید و بدانید که اجتماع و وحدت از روی انکار و بی میلی در راه حق بهتر از جدائی با رغبت و از روی هوا و هوس در راه باطل است و ایس را نیز بدانید.

که خدای سبحان در اثر تفرقه و پراکندگی به هیچیک از گذشتگان وفا نکرده و عطا فرموده است. نکته بسیار ظریف و دقیقی که از این فرار پر ارزش استفاده می شود اینست که علی علیه السلام برای نامید

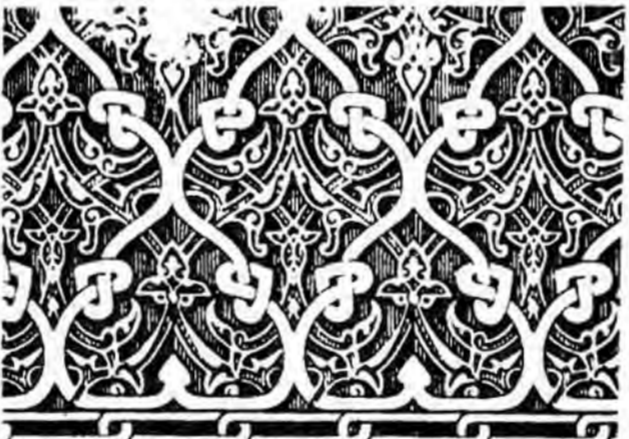
● وحدت در سایه دین از هر بهاء و ارزشی افزونتر و از هر موقعیت و عظمتی بالاتر است

● الفت و پیوند و وحدت بین افراد و اقشار و ملت بالاترین و برترین ارزشهای متصور است

● اهمیت وحدت در صورتی مطلوب است که در راه رسیدن به اهداف مقدس انسانی و بر محور مکتب حق صورت گیرد

معضومین سرایش اهمیت خاصی قائل بوده و در این مقطع حساس و سربوشت ساز انقلابی جمهوری اسلامی سخت به آن پیوسته و بختی بود که بقیل هر سخی و حدیثی اگر چه صحیح و مستند و نشر در هر مکان و زمان، هر چند حق باشد اگر موجب بهم خوردن وحدت و از هم پاشیدن اجتماع مسلمین باشد به مصلحت اسلام و مسلمین نیست زیرا در سایه وحدت و به برکت حفظ و تحکیم آنست که در دراز مدت می توان به تمام آرزوها رسید

در صورتیکه شتابها و ندانم کاری های کوتاه مدت اگر چه زیربوشت کلمه حق بجانب اجراء سنت رسول الله باشد مانع تحقیق اهداف بلند اسلامی در دراز مدت خواهد شد بار دیگر عبارت مورد استشهاد بارنوبس کرده و خواستگان گرامی به تفکر در آن فرامی جوایم و از دانشمندان اسلامی می خواهیم تادر جهت هر چه بهتر درک کردن سخنان علی مارا راهنمایی فرمایند الاخذ بسنته الجامعه غیر المفرقه والسلام عبدالحمید معاد بخواجه



نی اسرائیل- از پیشامده و حالات فرزندان اسماعیل و پسران اسحق و یعقوب عبرت بگیرید که جریان تاریخ و سرگذشتها درازمنه و اعصار مشابه و قابل تکرار است در حالت پراکندگی و جدائی آنها با نگرید که بر اثر جدائی دلها و تشتت آراء و افکار کسریها و قیصرها آنها را به بند ذلت کشیده و خود را از ارباب آنها می دانستند و روزشان را به شب ظلمانی اختناق و خفقان مبدل ساخته بودند آنان را از سرزمین های حرم و پرنعمت و از کنار دریای عراق (فترات) و سبزهزارهای نشاط برانگیز به بدآب و هوایترین نفاط و

● هر وحدتی مطلوب اسلام نیست و بر امت متحد همیشه در صحنه ضمن حفظ و تحکیم وحدت مبارزه با اجتماع و وحدتهای جبهه باطل امری واجب و ضروری است

● در ادعیه ماثوره جهت پراکندگی و از هم پاشیدن صفوف دشمنان عباراتی وجود دارد همانگونه که در ایجاد الفت و برقراری وحدت.

و در جای دیگر پیامبر عصبان گران اصحابش میفرماید: الله انتم اما دین یجمعکم ولا حمیه نشخذکم- خدا جزاتان دهد آیا دین ندارید تا پیرامون آن علیه خصم اجتماع کنید آیا غیرت و تمصب دینی در شما نیست

خشمتان را برانگیخته تالیله تیز حملاتتان صفوف دشمنان را از هم پاشیده شوکتشان را شکسته و رنگ حیانتان را ببرد.

و نیز در آنجا که علی علیه السلام شاهد درگیریها و اختلافات عسدهای از دانشمندان و اهل فتوی هستند باعجاب توام باخشم میفرماید چگونه به اختلاف سخن گفته و نظریه میدهند و کتابشان یکی است (واللهم واحد و نیتهم واحد و کتابهم واحد) خطبه ۱۸.

دومین عامل وحدت امامت و مقام رهبری است که زیر سایه پربرکت و رحمت هدایت خویش تمامی امت را به وحدت اسلامی و اخسوت ایمانی و پیوند ناگسستی مبتنی بر تقوی دعوت میکنند همینجا نقش موقعیت رهبر و ولی امر را در ایجاد وحدت و انسجام از زبان حق گو و بیان ملکوتی علی علیه السلام میآوریم (ومکان القیم بالامر

اظهارات سفیر الجزایر در ایران پیرامون وحدت اسلامی



سفیر الجزایر در ایران در یک مصاحبه اختصاصی با خبرنگار جمهوری اسلامی نقطه نظرهای خویش را پیرامون هفته وحدت اعلام کرد.

وی در پاسخ به اولین سؤال خبرنگار ما در مورد اینکه نقش هفته وحدت را چگونه ارزیابی میکند گفت:

- بسم الله الرحمن الرحیم- قبل از هر چیز از شما و از روزنامه جمهوری اسلامی بخاطر فرمتی که بمن داده‌اید تا نقطه نظرهای خود را پیرامون هفته وحدت بیان کنم تشکر میکنم. این مسئله از اهمیت خاصی برخوردار است و من شخصا بعنوان یک مسلمان از حضرت آیت الله العظمی منتظری به خاطر پیوستگی که نهادند سپاسگزارم. وحدت عامل عمده‌ای در حرکت بسوی پیشرفت و آزادی محسوب گشته و در روند حرکتها و جنبشهای آزادیبخش همواره نقش بسزا و تعیین کننده داشته است. و اتحاد مسلمانان بسلاخص هامیالی است که از اهمیت استثنائی برخوردار است چرا که در عین حال جنبه‌های سیاسی مذهبی اقتصادی و اجتماعی را در بر میگیرد. تاثیر هفته وحدت بدون شک مثبت است چرا که این هفته ما را به تفکر بیداری و عمل در جهت تحکیم همبستگی فرا میخواند.

وی در مسوره بساز کتاب پیشنهاد آیتالله منتظری در کشور الجزایر گفت:

- باید بگویم که در الجزایر مفهوم وحدت همواره از تقدس خاصی برخوردار بوده است. ملت ما که بیش از ۱۳۰ سال تحت استعمار بود سیرت وحدت در ایامان اسلامی فداکاریهای بسیار را بجان پذیرا شد و پس از ۷ سال جنگ مسلحانه به استقلال دست یافت. امروزه نیز به همین همین وحدت مبارزه را ادامه میدهد. نه فقط بمنظور تحقق وحدت در داخل کشور خود بلکه در راه تحقق آن هر جا که ممکن باشد و هر جا که هنوز بدست نیامده باشد.

وی افزود - از چندین سال پیش تا حال همه ساله در الجزایر

مسئله پیوستگی با اشترکت اندیشمندان مسلمان برگزار میشود که برادران ایرانی نیز به جلسات آن دعوت شده و در آن شرکت کرده‌اند. در این سمینارها در کنار بحث پیرامون مسائل عقیدتی و کوشش که در راه بالا بردن آگاهی‌های اسلامی سکار برده میشود هدف اصلی که همانا تحقق وحدت است همواره مد نظر میباشد. بعنوان مثال، نشریه «پیام اسلام» که در وزارت ارشاد و سربازان فرانسه منتشر میشود در یکی از شماره‌های خود شماره ۱۱ مورخ مهر ۶۱ مقاله مفصلی در مورد برگزاری این سمینار به چاپ رسانده است. هدف از برگزاری این سمینار تبادل اندیشه‌ها و گسترش همبستگی است.

سؤال: دولت الجزایر جهت تحقق هر چه بیشتر این وحدت بزرگ اسلامی چه اقداماتی نموده و یا در نظر دارد که انجام دهد.

- همانگونه که قبلا نیز متذکر شدم، دولت الجزایر همواره سیاست «مبادله» با همه کشورهای اسلامی را اعمال نموده است و در این راه به برگزاری سمینارها و برخورداریهای متعدد و منظمی اقدام نموده و همچنین در هرگونه گرد همایی از استقبال که در خارج از الجزایر برپا شده شرکت کرده و میکند.

در الجزایر نشریاتی چون «الاصحاح» در زمینه مسائل دینی عقیدتی به چاپ میرسد. الجزایر همواره آمادگی خود را برای هر گونه مشاوره و گرد همایی در رابطه با تحقق وحدت اعلام نموده است. این وحدت بهر حال ارکان دیگری نیز دارد که از آنجمله حرکت‌های آزادیبخش و پیشرفت اقتصادی را میتوان نام برد. الجزایر که پیوستگی از بنیان‌گذاران کنفرانس اسلامی میباشد همواره در جهت اتحاد ملل اسلامی کوشیده است در جهت اتحادی واقعی و عینی که قابلیت تضمین دگرگونی اجتماعی زندگی هر روزه ملل مسلمان را داشته باشد. در زمینه اقداماتی که در راه تحقق این وحدت صورت گرفته است نمونه‌های زیادی را میتوان ذکر نمود. برای مثال در الجزایر زبان فارسی و زبانهای ملل دیگر مسلمان در دانشگاه تدریس میشود و این خود عاملی است در جهت اتحاد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز زبان عربی بعنوان دومین زبان ایرانیان ذکر شده است. من هر روز از رادیو و تلویزیون شاهد برنامه‌هایی به زبان عربی هستم و از این فرصت استفاده کرده مراتب خوشنودی خود را در این زمینه اعلام میکنم و اطمینان دارم که سازمانهای بین‌المللی نظیر «الاسکوه» (سازمان مشابه یونسکو اما با

عضویت کشورهای عربی) حاضرند در این زمینه با جمهوری اسلامی ایران همکاری کنند.

سؤال: تحقق وحدت اسلامی را در جمهوری اسلامی ایران چگونه میبینید؟

باید بگویم که من متأسفانه تنها سه ماه است که در جمهوری اسلامی ایران اقامت دارم و امیدوار هستم که به‌تدریج بتوانم برای یک مدت طولانی در ایران بمانم. اما باید متذکر شوم که از زمانی که در تهران سکونت دارم هیچگونه تعاونی میان مسلمانان ایرانی و خارجی احساس نکردم. من هرگز خود را در ایران بیگانه احساس نکردم و هیچوجه احساس غربت نمی‌کنم. آنچه که در ایران می‌بینم و حس می‌کنم برایم آشناست.

سؤال پیشنهاد شما در جهت راههای عملی یک وحدت بزرگ اسلامی چیست؟

- سؤال بسیار مهم و جالب است و بجاست که پاسخ شرحی به آن داده شود. قبل از هر چیز باید از نظر علمی و تاریخی تجزیه و تحلیل نمود از علل بروز گسستگی‌هایی که جهان اسلام به آن مبتلاست. این علل تقریبا همگی مبداء و منشأی خارج از جهان اسلام دارند. پدیده‌هایی مانند استعمار، استعمار نو، امپریالیسم جهانی، سلطه گری و جهالت و عقب ماندگی که زائیده این پدیده‌هاست، وابستگی، ضعف اقتصادی، هویت زدائی، همه و همه دلایل بروز نفاق و مخمل وحدتیزدایی و پسرایی مقابله با این دلایل عینی باید که مبارزهای عینی اعمال گردد.

وحدت مسئله ایست که طبیعتا برای هر فرد مسلمان مطرح است و اتحاد مسلمین اتحادی است که تحقق آن بسیار آسانتر از متحد کردن دیگر اقشار میباشد. صادر عصری زندگی میکنند که پدیده وحدت روز بروز بیشتر در ابعاد مختلف جغرافیایی اقتصادی زبانی و غیره مورد تاکید قرار میگردد.

از نظر جغرافیایی در سطح جهانی میتوان از سازمان ملل متحد نام برد و در سطح منطقه‌ای سازمان وحدت افریقا، اتحادیه عرب، سازمانهای امریکای لاتین و سازمانهای آسیایی، از نظر مذهبی کنفرانس اسلامی و از نظر اقتصادی گروه ۷۷ کشور. از نظر سیاسی جنبش عدم تعهد و غیره نمیشود با ذکر اسامی شمار را خسته کنم. مسئله بر سر اینست که همه این تلاشها به لحاظ محتوا قابل ستایشند اما در عین حال بدلیل عذبه دچار نقائص نیز هستند.

نکته‌ای که ذکر آن در اینجا مهم و اساسی است اینست که جهان اسلام از نظر تاریخی ملت‌هایی را در بر

میگیرد که همواره کوشش شده است آنها را از شخصیت، فرهنگ و ایمانشان جدا سازند. کشورهای که عمدتا مسلمانان در آن سکونت دارند کشورهای جهان سوم هستند و ساکنین ایسی کشورها متعصبند. برای تعلق مشترکشان به اسلام این ملل با مسائل عذبه اقتصادی سیاسی و فرهنگی روبرو هستند و اهدافی چون استقلال ترقی، پیشرفت و رفاهتی برای بیشتر آنان مطرح است. در نتیجه وحدت مسلمین باید که بر عوامل عینی استوار باشد چرا که ریشه اصلی آنرا ایمان تشکیل میدهد. ایمان

است. مثلا پدیده استعمار که از بسیاری از عوامل چون اختلاف زبان برای پیش برد اهداف خویش مدد جسته است. زبان عربی که زبان قرآن است میتوانست محلی برای این وحدت باشد. اما در عمل دیدیم که استعمار امکان آموزش زبان عربی را حتی در مالک عربی ما نیز از بیس برد.

از استفاده از امکانات مدرن برای نیل به وحدت صحبت کردیم و بنا بر درخواست شما مثالی میآورم. مثلا ارتباط تلفنی مستقیم در جهان. بسیاری از کشورهای

به این هدف رسید. در این راه باید از خیرگزاری‌ها، موسسات، دانشگاهها همه استفاده نمود. سؤال: بنظر شما موانع تحقق یک وحدت بزرگ اسلامی چیست؟

این موانع بر دو نوعند: اول آنها که سیرت گذشته‌اند مانند زبان و دوم موانع عینی و قابل لمس در جامعه مانند عقیده‌ها، در بسیاری از کشورها کوشش انسانها صرف مقابله با مشکلات هر روزی زندگی میگردد صرف سازماندهی ابتدائی زندگی مثلا توزیع آب، در بسیاری نقاط مسئله است یا مسئله گرسنگی که در بسیاری از مناطق هنوز وجود دارد در نتیجه در میابیم که مسئله وحدت برای یکدیگر مسلمین مطرح است اما مشکلات روبروی که مردم و حکومتها با آن روبرو هستند مانع از سرور این علاقه میگردد. بسکمت رشد اقتصادی و با نیل به استقلال فرهنگی یک کشور مسلمان شرایط اولیه آگاهی اجتماعی را کسب میکند و این خود گام مهم و مثبتی است در راه رسیدن به وحدت. من اطمینان دارم که وحدت هدف عموم مسلمین است اما برخی موانع نیز از عدم گذشت ناشی میشود. باید در روند تحقق این وحدت از خود فروتنی و کارائی نشان بدهیم. لااگره فی‌البدین.

مانع دیگری که باید از آن نام برد و از مهمترین موانع بشمار میرود اینست که اکثر کشورهای اسلامی بلکه همگی آنها اخیرا استقلال خود را بدست آورده‌اند و عمدتا بهای بسیار گزافی برای آن پرداخته‌اند. به این دلیل باید جرات پذیرش این واقعیت را داشته باشیم که مردم این کشورها هنوز خاطره فداکاریها در ذهنشان زنده است و آنقدر به استقرار حاکمیت خویش دلچسبند که آمادگی مستحیل شدن در مجموعه‌های وسیعتر را ندارند. به همین خاطر باید یکبار دیگر گذشت داشت البته این مانع از پیگیری منظم و دقیق روند وحدت نمیتواند باشد.

پس نتیجه میگیریم که برای نیل به وحدت باید کنار تحقیقی عمیقی بسوسبیل مستحصین امر بسرای بازنشاسی دقیق موانع و همچنین یافتن امکانات دفع و رفع این موانع انجام گیرد. با آرزوی طول عمر برای امام امت و خوشبختی برای ملت برادری ایران از مهمان‌نوازی روزنامه جمهوری اسلامی متشکرم و با ابلاغ بهترین درودهای مسئولین کشورم و شخص رئیس جمهور شادلسی بن‌جدید بار دیگر مراتب خوشوقتی خود را از بدعتی که حضرت آیتالله العظمی منتظری نهادند ابراز میدارم و از ایشان تشکر مینمایم.



مشترک به مذهبی که مشخصه آن برادری میان انسانهاست و نسبت به پی مللی که در هدف و سیر تاریخی و ایمان خویش مشترکند و ابتنا را تجربه کرده‌اند تحقق این وحدت برایشان آسان است، اگر برای نیل به این هدف از امکانات مدرن علمی مدد جویند. باید علم و فن را بخدمت این اتحاد گرفت. پیگیری این هدف باید که موضوع اندیشه‌ای قرار گیرد ملهم از واقیعات اهداف و امکانات.

دفاع از وحدت تنها در اینمورد باید یک کار تحقیقی اساسی بسوسبیل متخصصین علوم دینی- زبان شناسی مردم شناسی و ارتباطات و غیره انجام شود در رابطه با شناخت عواملی که ما را از یکدیگر جدا ساخته



از: عبدالکریم بی‌آزار شیرازی

● اساس برنامه تمام پیامبران، ائمه هدی و مصلحین، توحید و گردآوری مردم پیرامون محور الله است. ● پیامبر اسلام (ص) از جانب خداوند مأموریت می‌یابد که حتی اهل کتاب را پیرامون چند محور مشترک و اساسی گرد آورد.

بسم الله الرحمن الرحيم

بانگرشی به تاریخ این حقیقت بخوبی روشن می‌شود که در هر زمان جامعه به سوی طساعت روی آورده، روح تفرقه، خصومت و دشمنی، و خود برتری بی‌گروهی و فرقه‌ای شدت رشد یافته، و تمام آثار و کتب تفرقه‌انگیز در این زمانها بوجود آمده و بلکه هر گاه جامعه بسوی الله و رهبران الهی روی آورده، بارانهای پیامبران الهه و عالمان راستین روح وحدت، برادری، ایثار و غیرخواهی زنده شده است. آری اساس برنامه تمام پیامبران، ائمه هدی و مصلحین توحید، و گردآوری مردم پیرامون محور الله است:

پیغمبر اسلام از جانب خداوند مأموریت می‌یابد که حتی اهل کتاب را پیرامون چند محور مشترک و اساسی یعنی ایمان به خدا، ایمان به حضرت ابراهیم، ایمان به آخرت و کردار نیک جمع کند:

قل یا اهل الکتاب! تعالوا الی کلمة سواه بیننا و بینکم. ان لا نعبد الا الله ولایشترک به شیئا ولا یتخذ بعضنا بعضا من دون الله.

بگو ای اهل کتاب! بیایید همگی پیرامون کلمه‌ای که مشترک میان ما و شماست گردانیم: ۱- جز خدا کسی را مورد پرستش قرار ندهیم. ۲- کسی را برای او شریک نگیریم. ۳- و بجای خدا یکدیگر را ارباب خود مسازیم.

ان الذین امنوا والذین هادوا والنصارى والصابئين (۱) من امن بالله والیوم الآخر. (۲) و عمل صالحا فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون. کسانی که ایمان آورده‌اند، و کسانی که یهودی، مسیحی و یا صابئین، هر کدام که: (۱) ایمان به الله داشته (۲) ایمان به روز آخرت داشته باشند. (۳) و عمل نیک انجام دهند، پاداش آنها نزد پروردگارشان بوده بپیم و اندوهی بر آنها نیست.

متأسفانه در هر زمان روح شیطانی و خود برتری بی‌گروهی و فرقه‌ای بر ملت‌ها غلبه کرده بیرون فرقی و مذاهب اظهار داشته‌اند:

و قالوا لولا یدخل الجنة الا من کان هودا اوتصاری، تلک اما نیهیم، قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقیین. گویند وارد بهشت نشود مگر کسی که یهودی یا مسیحی باشد، این آرزوی آنهاست، بگو اگر راست می‌گویند برهان و دلیل خود را بیاورید آری هر کس تسلیم فرمان خدا بوده نیکوکار باشد، پاداشش نزد پروردگارش بوده و ترس و اندوهی بر او نیست. یهودیها می‌گویند

مسیحیها چیزی نیستند و چیزی نیستند، در صورتیکه همگی کتاب (خدا) را می‌خوانند، آری همه افراد نادان اینگونه حرفها را می‌زنند، و خداوند و روز قیامت در آنچه اختلاف کرده‌اند، داوری خواهد کرد.

و قالوا کونوا هودا اوتصاری تهتدوا قل بل ملة ابراهیم حنیفا.

گویند یهودی یا مسیحی باشید تاهدایت یابید، بگو برتر از ایندو برترین ابراهیم می‌رویم که معتدل بود و از مشرکین نبود.

بگوئید: (۱) به خدای یکتا آنچه بر ما نازل شده (۲) آنچه به ابراهیم، اسمعیل، اسحق و یعقوب و اسباط فرود آمده (۳) آنچه به موسی و عیسی آمده (و بطور کلی) آنچه بر پیامبران از جانب پروردگارشان نازل شده ایمان داریم، و میان هیچیک از آنها فرقی نمی‌گذاریم و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم، و اگر روی برتافتند سرخلاف دارند خدا ترا از شر آنها مصون می‌دارد که خدا شنوا و داناست. گویند رنگ خدا داریم و کیست که رنگ او از خدا بهتر است؟ و ما پرستش کنندگان او هستیم.

بگو چرا درباره خدای یکتا با ما مجادله می‌کنید.

او پروردگار ما و شما است. اعمال ما برای خود ماست و اعمال شما برای خودتان است.

وما مخلصانه برای خدا (کار می‌کنیم)

آیا می‌گویند ابراهیم اسمعیل، و یعقوب و اسباط، یهودی یا مسیحی بودند؟ بگو شما بهتر می‌دانید یا خدا؟ ستمگرتر از آنکه شهادت خدا را نزد خود پنهان دارد کیست؟ و خدا از اعمالی که می‌کنید غافل نیست.

این جماعتی است که در گذشته اعمالشان متعلق به خودشان بود و اعمال شما برای خود شماست و شما را از اعمالی که آنها می‌کرده‌اند نمی‌پرسند. اسلام علی‌رغم کارشکنیها و نقض پیمانها در راه ایجاد اخوت و همبستگی میان مردم و همزیستی مسالمت‌آمیز با اهل کتاب به موفقیت‌های درخشانی دست یافت. بطوریکه محققین تاریخ آنرا یکی‌گاز عجل بشریت اسلام دانستند. گوستاولوبون در این باره می‌نویسد:

«اسلام مردم جریرت‌المرب را با هم مهربان ساخت و به اختلاف داخلی آنها خاتمه داد و در نتیجه آنها تمام نیروی خود را مستوجه کشورهای بیگانه کردند اما فتوحات اولیه پسرده جلوی چشم مسلمانان ایجاد نکرد و آنها مانند کشورگشایان معمولی دست به ستم و خیانت نزدند و آنها را با زور شمشیر و آوار به پذیرفتن، دین جدید خود نکردند، با اینکه کمال علاقه را به پیشرفت دین خود در جهان داشتند، آری اگر آنها چنین کرده بودند ملت‌هایی که هنوز در پیرایشان تسلیم نشده بودند بسا هم متحد می‌شدند و بر آنها می‌شوریدند. و بسهمان سرنوشتی دچار می‌شدند که

و همین امر یکی از عوامل سریع پیشرفت و توسعه فتوحات آنان بود. آری تجربه‌های تاریخی ثابت کرده است که هیچ مذهب و قانونی نمی‌تواند پابرجا باشد مگر اینکه نیروی خود را از ایمان قلبی گرفته باشد، و هر نظام اجتماعی که مردم آنرا با رضا و رغبت نپذیرند، بسزودی از بسین خواهد رفت، هر چند که با زور سر نیزه آنرا تحمیل کرده باشند.

و اسلام این موضوع را بخوبی رعایت نموده و بیش از هر چیز به آن اهمیت داده و هیچگاه قوانین خود را بر غیر مسلمانان تحمیل نموده بلکه آنها را نسبت به معتقداتشان آزاد گذاشته و آنچه را که صحیح می‌دانند

در حقتشان نافذ دانسته متلاً در فقه اسلامی چه شیعی و چه سنی می‌خوانیم: «نکاح و ازدواج سایر مذاهب و ملل مانع از ارث بردن آنها نمی‌شود در صورتیکه موافق با مذهبشان از دواج صورت گرفته باشد، هر چند که مخالف با شریعت اسلام باشد حتی اگر چه تولد از ازدواج یا بعضی معارم باشد، فرضاً بعضی از مذاهب آنرا جایز بدانند.»

و این یک قاعده کلی در فقه و شریعت اسلامی است، که اختصاص به مذهب معینی ندارد بلکه فقهای اهل سنت گاهی بیش از این نیز یا فراتر نهاده و متلاً صاحب کتاب السمعنی ج ۸ ص ۱۳۲ می‌نویسد:

«تکفیر بسیاری از صحابه شمردن خون و اموال آنها جزو مذهب خوارج است، و آنها معتقدند که با کشتن آنها به خدا تقرب می‌جویند در عین حال فقها حکم به کفر آنها ندادند، چون به آن معتقدند.»

از مجموع مطالبی که گذشت نتیجه می‌گیریم که وقتی فقها نظام اجتماعی و قوانین سایر مذاهب و ملل و نحس را به رسمیت می‌شناسند، بسا اینکه با شریعت اسلامی مخالفت دارد و اهل سنت خوارج را کافر نمی‌دانند با اینکه صحابه را چگونه برای مسلمانی جایز است که دست‌های از مسلمانان را که به خدا، پیامبر و روز قیامت ایمان دارد و اصول و فروعش را از کتاب خدا و سنت پیامبر می‌گیرد و معتقد است که گوینده لا اله الا الله محمد رسول الله خون، و مالش محترم است، کافر بشمارد؟

چگونه مسلمانی میتواند دست‌های از مسلمانان را کافر بداند بجز این دلیل که بسا

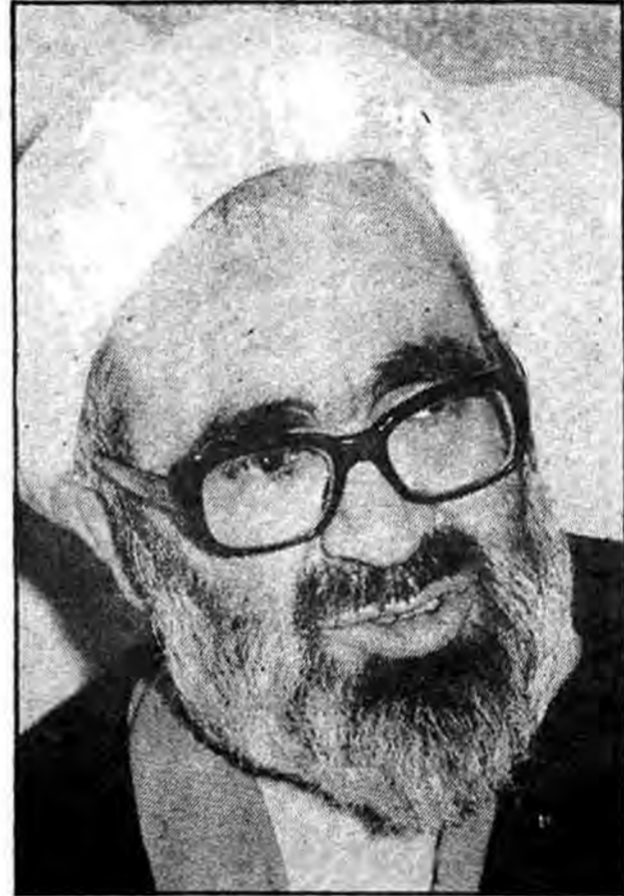
مذهب مورد پسندش موافق نیست یا با مذهبی که از پدرانش به ارث برده در پیام‌های از شرایط ازدواج و طلاق و بعضی از مسائل ارث مخالف است؟ آری مذهب خوارج مخالف تمام مذاهب اسلامی اعم از سنی و شیعی است در عین حال برادران اهل سنت آنها را در اجتهاد غلطی که می‌کنند معذور می‌دانند، آیا سزاوار نیست شیعه را هم که در باره‌های از مسائل فقهی مانند رضاع و ارث به استاد آیه قرآن یا روایت با مذاهب چهار گانه اهل سنت اختلاف نظر اجتهادی دارد، معذور بدانند؟

مسلمان عالمان راستین اهل سنت مانند شیخ عبدالعزیز سلیم و شیخ محمود شلتوت و بسیاری دیگر از رؤسای اسبق الازهر نه تنها شیعه را در اجتهاداتش معذور و ماجور می‌دانند بلکه شیخ محمود شلتوت می‌گوید:

«من و بسیاری از بر د و همکارانم چه در دارالعرفیه و چه در مجامع الازهر و چه در فتوی و چسبه در کمیسیونهای احکام خانواده و غیره توانستیم احوال و آرای از مذهب شیعه را سر مذاهب تسنن ترجیح دهیم با آنکه خودمان سنی بودیم، ار جمله در قانون مدنی مصر، درباره سه طلاق یا یک لفظ و طلاقهای ملق و غیره از فقه شیعه امانیه استفاده شده و امروز مناط عمل در این قسمت بر آن استوار است به بر مذاهب تسنن و هم‌میطور در مسئله رضاع که آیه طمل حتی با یک نوبت شیر خوردن از رنی حکم فرزند او را پیدا میکند یا نه... من شخصاً دلیل شیعه را قویتر دانسته بر طبق رای شیعه در این قسمت فتوی می‌دهم و اصولاً فقیه منصف موارد بسیاری را در فقه شیعه میتواند پیدا کند که از حد دلیل تسنن به پاره از اقوال اهل سنت قوت بیشتری دارد و از نظر مصلحت جامعه اسلامی و استقرار خانواده سازگارتر است.»

اینست که امروز وظیفه خود می‌دانم که در دانشکده حقوق اسلامی الازهر فقه تطبیقی (شیعه و سنی) برقرار سازیم، و ما هدی حر به دست آوردن حکم صحیح اسلامی از فقه هریک از مذاهب اسلامی نداریم و قطعاً فقه شیعه در مع اول قرار گرفته است. ۱۰ و از ایزسو سیر اعمال راستین تشیع از قدیم، بسا اجتهاد تطبیقی و گسترده عمل می‌کرده و مسیبت که حضرت امام خمینی در کتاب الرسائل ج ۲ ص ۹۴ یکی از مقدمات اجتهاد را بررسی فتاوی و اخبار اهل سنت مخصوصاً در مورد سعاص اجبار، می‌شمارد و حوره درس شیخ سعید بسا شیخ ناظر به کلمه توحید و انفاق نظر مسلمانان بود که بقیه در صفحه ۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم
از آنجا که حضرت آیت الله العظمی منتظری یکی از منادیان بزرگ وحدت میان مسلمین هستند...



مروری بر کتاب فقیه عالیقدر

بروجردی به طلاب توصیه نمود فقهی جوانان را از دست ندهید، هنگامی که سوال شد چه کسانی را؟ فرمودند: «منتظری‌ها را» بعد مکتبی کردند تا بلکه دیگری را نیز مثال آورند اما دوساره فرمودند «شیخ حسینعلی‌ها» و این نشانهای بارز از مقام علمی آیت الله منتظری، این روحانی مبارز سی و چند ساله در آن هنگام بود. استعداد سخت کوشی آیت الله منتظری باعث شد که ایشان در فاصله کمی از بیست سال به مقام اجتهاد نائل شوند. آیت الله منتظری در سالهای زعامت آیت الله بروجردی در حوزه قم، از متحین درجه اول حوزه علمیه بودند و بعضی صاحب نظران معتقدند که ایشان پس از استاد علامه طباطبائی بارزترین و محقق‌ترین استاد فلسفه هستند، همچنین ایشان نزدیکترین و صمیمی‌ترین شاگرد امام امت بوده‌اند و همراه با ایشان در سالهای دیکتاتوری محمد رضای خانی مجاهده کرده‌اند. پس از رحلت آیت الله حکیم، آیت الله منتظری از جمله روحانیونی بوده‌اند که بر سرچیت و زعامت امام خمینی اصرار نمودند و از این راه مردم را با این رهبر عظیم‌مأنوس ساختند، چنانچه در شهر نجف‌آباد بیشتر مردم به امام راغب بودند. آیت الله منتظری همچنین در سالهای ۵۲-۵۰ در نجف‌آباد در سطح وسیعی نماز جمعه داشتند و حال آنکه این فریضه در اکثر شهرهای ایران متروک بود و یکی از عوامل اصلی دشمنی‌های رژیم شاه با ایشان خطبه‌های نماز جمعه در نجف‌آباد بوده است. اصرار آیت الله منتظری

سلیمان رسید چرا که رژیم از حضور آیت الله منتظری در قم بیم داشت. این تبعید حبس دیگری را بسد نبال آورد و بالاخره آیت الله منتظری در سال ۴۹ به نجف‌آباد تبعید شد. انس فراوان مردم نجف‌آباد با این شخصیت بزرگ نصیقاتی که رژیم در این سالها برای ایشان در نجف‌آباد فراهم آورده بود خنثی نمود و مردم همچون پروانه‌هایی به گرد شمع وجود آیت الله منتظری گرد آمده و از گرمی و حرارت این مرد با خدا بهره جستند، در همین سالها بود که نمازهای جمعه با شکوه بسیار در نجف‌آباد و به امامت ایشان برگزار می‌شد. طی مدت اقامت آیت الله منتظری در نجف‌آباد رژیم برانحاء مختلف تلاش می‌کردند مردم را از این مراد و مقلدی جدا نماید، اما هر تلاشی بی نتیجه ماند و بالاخره مقدمات تبعید دیگری از این تبعیدگاه فراهم آمد. در اواخر مرداد ماه ۱۳۵۲ آیت الله منتظری به طبع تبعید شدند و پس از یکسال و بواسطه تجمع مردم به خلیخال تبعیدگاه بعدی رفتند، پس از آنکه در تیسرماه ۱۳۵۴ دستگیر و به زندان کمینته و اوین منتقل شدند بیش از سه سال زجر و شکنجه زندان کمینته و اوین جز ایمان و استواری این فقیه عالیقدر را نیفزود و بالاخره در آبانماه ۱۳۵۷ از این زندان نیز رستند.

امت واحده



احمد علیزاده نماینده محترم مجلس شورای اسلامی

واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا... قرآن کریم آل عمران ۱۰۲ بدالات تاریخ انسانها همیشه بصورت اجتماع زندگی میکردند و آثار بیستانی این امر را بخوبی آشکار مینماید قرآن مجید در آیات مختلف باجتماعی بودن انسان تصریح و یا اشاره دارد مانند آیه و جملاتکم شعوبا و قبائل... و یا آیه و هو الذی خلق من السماء بشرا فجعله نسبا و صهرا البته کیفیت اجتماع دگرگونیهائی را پیموده و بحاکمیت قرآن در ابتدا انسان بصورت امت واحده زندگی مینموده و اختلافی نداشتند لیکن بعدها که بمثل گوناگون اختلاف حاصل شد خداوند با مبعوث نمودن انبیاء و فرستادن کتابهای آسمانی خواستند اختلاف آنان را رفع و آنان را بسوحدت اجتماعی بازگردانند. شک نیست که اسلام تنها دینی است که اساسش بر اجتماع نهاده شده و هیچ امری از امور اجتماعی را مهمل نگذاشته است هر چند اعمال انسانی بقدری زیاد و متنوع است که فکر از محاسبه آن عاجز است اما می‌بینیم اسلام همه را احصا نموده بر سرراط مستقیم نقش ایستاده رفتار انسانها با همه تنوع آن محیط و احکام نجات بخش آن تمام اعمال انسانها را فرا گرفته است خلاصه اینکه هیچ پدیده و یا رابطه و رفتاری نیست که احکام اسلام نسبت به آن ساکت باشد و چه در مسائل حقوقی و یا سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مقررات و احکام اسلامی راهگشا میباشد. اسلام جهت تعیین سعادت انسانها و استمرار آن مجاری امور را بید علماء که امانه بر حلال و حرام خداوند هستند قرار داده است که در مقام رهبری و ارشاد امت باللهام از تعالیم اسلام اقدام میکنند از آنجا که دین اسلام دینی است که به اتحاد و وحدت تاکید دارد و اختلاف و نزاع را مسوجب از هم گسیختگی میدانند شیطان بزرگمو ایادی او از اتحاد و

وعدای دیگر از روحانیون عالیقدر بر زعامت امام خمینی، در سالهای پس از ۴۹ بیانگر شدت شجاعت و قوت ایمان این بزرگوارمان بوده است و همین اصرار شکنجه‌های طاقتفرسای بعدی را برای آیت الله منتظری باعث شد، علیرغم این شکنجه‌ها آیت الله منتظری در بازجویی‌های خویش مکرر و در کمال صراحت پیروی خویش را از امام عظیم‌الشان ابراز داشته و این چنین خشم رژیم را افزون نمود. آیت الله منتظری از سال ۴۹ بعد نماینده امام در ایران بوده و این وظیفه را در سالهای معدودی که خارج زندان بوده‌اند، انجام داده‌اند. آیت الله منتظری اولین بار در سال ۱۳۴۵ دستگیر و شکنجه شد، بیشتر از این نیز چندین بار رژیم ایشان را به بهانه‌های واهی بازداشت نمود، اما این بار سختی شکنجه را نیز بر پیکر این روحانی بزرگوار تحمیل نمودند... عملت اصلی دستگیری ایشان در واقع طرفداری از امام و خط امام بود که بروشنی در اسناد ساواک منعکس است، تا آنکه پس از نزدیک به هفت ماه حبس و شکنجه در اثر اصرار بیش از حد روحانیون متعهد حوزه‌های علمیه و افشاگری‌های آنان، آیت الله منتظری در اواخر مهرماه ۱۳۴۵ آزاد شدند و در اواخر همین سال و بطور مخفیانه به عراق رفتند. پس از دیدار با امام و بهره‌گیری از رهنمودهای ایشان آیت الله منتظری بطور آشکار به ایران آمدند، اما در نزدیکی مرز توسط مأموران رژیم دستگیر شدند و پس از مدتی حبس و زجر دوباره آزاد شده به قم رفتند، بفاصله کوتاهی حکم تبعید ایشان به مسجد

کتاب: فقیه عالیقدر
تألیف: مصطفی ایزدی
در ۳۸۳ صفحه توسط انتشارات سروش (صدا و سیمای جمهوری اسلامی) منتشر شد.

بحثی در نبوت



بقیه از صفحه ۴

می توان گفت همه جنگهایی که در واقع میان خود کامگان تاریخ بوسله توده غیرمنتفع برپا می شده، به شکلی اصولی براین احساس متکی می بوده است.

اگر امپراطور متجاوزی که هوای دست اندازی به قلمرو تبهکاری چون خود را در سر می پیرواند، به توده اتباع تحت نفوذ خود بقبولاند که باید برای دفاع از حق در خطر افتاده بی به میدان فداکاری رفت، بیگمان از یاری آنان و یا از کارائی لازم آنان در میدان بیکار، محروم خواهد ماند (واقعیتی که تجربه های گوناگون آنرا در زمان خود می بینیم). نیسی از این احساس و بازتاب طبیعی آن، بهره می جوید و عامل طبیعی را سلاح برپائی حق و حقیقت می سازد. در جامعه جاهلی، آنجا که نیسی با پیام نویسن خود برسرانگیخته می گردد حقوق بشمار، از انسانها پامال شده است و این لازمه حتمی جاهلی بودن، آن جامعه است. در جامعه جاهلی سررشته همه چیز و همه کار و همه کس در دست طاغوت است و طاغوت، همان عنصر تسهکار و متجاوز است که بر ارزشها و امالتهای فطری و انسانی طغیان ورزیده و آنرا پامال ساخته است در این جامعه بجای آنکه «انسان» مطرح باشد امتیازات بر محور امالتهای انسانی تقسیم و همه چیز بر محور آن میگردد: مال، مقام، رفا، امنیت، آزادی، لذت و... حتی علم و معرفت، از آن و در خدمت ارباب قدرت است و دیگران که بحکم انسان بودن باید در اینهمه سهم باشند. از اینهمه محرومانند...

«پیروز شدن» یکی از دو نیکوترین می شمارند و به است حل مشکل «وحدت نیاز» در دستگاه نبوتها...

به بیانی کوتاه، نیسی با اراده ای طرز فکری روشن و قابل قبول، یاد عوتی که پاسخ به همه نیازهای مادی و معنوی انسان است، بسافرو کوبیدن همه ی خود خواهی ها و خود کامگی ها با اثبات این حقیقت که انسانیت یک عنصر است و دارای یک نیاز و یک هدف، باشد دادن به همه ی خلصتهای مثبت و سازنده در انسان و بلاخره بادمیدن روح امیدو اطمینان و سکینه در جمع پیروان خود با ارائه طرح روشن و بی ابهامی از آینده قطعی و از تساملی و تکاملی که در انتظار آنان است، از گرویدگان خود عناصری پولادین و از افراد آنان، واحدی به نهایت پیوسته و استوار می سازد. زمینه را برای عملکرد این سنت الهی که هر جمع پیوسته و استوار - اگر چه اندک - بر هر جمع گسسته و ناپایدار اگر چه انبوه پیروز است، فراهم می آورد.

۲- انسان به آنچه از او باز گرفته شده و حق اوست مشتاق است. آنچه را حق خود میدانند متعلق به خود و باز گیرنده آن را غصب و متجاوز به خود می داند. و بالطبع، بر آن است که آن را برای خویش فراهم سازد. همه شورشها، قیامها جنبش های انقلابی و غیره از سوی مردم و به همت و بازوی اراده کسانی انجام پذیرفته است که حقی از خود را پامال شده می دانند و بنا چیهایی که آنرا مسئول این تجاوز می دانستند به ستیزه بر می خاستند و حتی

* دعوت انبیاء حامل پیام و آرزوی صلح و دعوت به صلح جهانی است
* دشمنان غرضورز با استفاده از تمکن فراوان خود میان پیام انبیاء و توده های وسیع مردم در سراسر جهان حائل و حجابی از زور و تبلیغات زهر آگین بوجود آوردند و انبیاء را در نظر مردم مفسد و ضد مردم معرفی کردند.

* جمع کم، اگر پیوسته و استوار باشند بر جمع زیاد پیروزند.
پیوستگی و استواری این دو عامل کیفی در طول تاریخ عوامل گمی را تحت الشعاع خود قرار داده است.
* تربیت و سازندگی انبیاء ضامن نزدیک کردن و آشنا ساختن دلها به یکدیگر است

و این همان زمینه اصلی است. نیسی، توده ها را به حقوقشان، به انسان بودنشان، به محرومیشان و به وضعی که اگر این محرومیت از میان برود بدان دست خواهند یافت، آشنا می سازد و در دل و جان آنان

از این رهگذر، انشی دیرپای با شعله فرو نشستن بر سر می افروزد، کینه مقدسی را در آنان بوجود می آورد و نوید پیروزی به آنان می دهد (ویشف صدور قوم مؤمنین و یذهب غلیظ قلوبهم) نبوت و انسان

آیا نیسی در رابطه با انسان، نقش یک عامل جبری و مکانیکی را ایفا میکند؟ آیا انسان، حیوان بی اختیاری است که آفرینش در دست نیسی است و او این موجود را به هر جا که مصلحت او مصلحت بداند می کشاند؟ یا حقیقت چیزی جز اینست؟ این مایه اصلی سئوالی است که ذهن انسان این روزگار، تحت تأثیر افکار اومانیستی و انسان گرایانه رایج و متداول در برابر دین مطرح می کند و مسرانه از آن، پاسخ می خواهد. در پاسخ این سؤال به دو نکته روشن که در خلال بحثهای گذشته باید به دست آمده باشد اشاره می کنیم:

نخست آنکه نیسی، موجودی نیست که از جهانی دیگر یا از سیاره ای نا آشنا و یا از عالم فرشتگان و مجردان به این کره آمده و لباس انسان پوشیده باشد؛ او جز بشری همانند همه افراد دیگر بشر نیست، با همان ویژگیهای انسانی و غریزه ها و نیازها و تمایلات و... و تنها حدفاصل، وحی خداست، پایان

وقتی با نظر کلی به جامعه و انسانیت می نگریم، در صحنه پیدائی نبوت، جز انسان نمی بینیم؛ این انسانی است که «مبعوث» شده و کمر به «بعثت» انسانهای دیگر بسته است چشمه بر فیض وحی خدا نقطه ای جز سینه انسان نجوشیده است. درست است که ضمیر تابناک او فرمان «خدا» و حکم او را منعکس می سازد اما این بدان معنا نیست که انسان بودن نیسی در این رابطه، هیچگاه باشد. بیگمان، این انسان است که اوج تعالی انسانیت، میتواند آن نعمت و صفا و قابلیت را کسب کند که وحی و اشارت خدا در او انعکاس یابد

و بر او نازل شود و بجز انسان آنهم انسانی که از کسو با مایهها و زمینه های مقتضی سرشته شده و از سوی دیگر، در خط بندگی خدا، کوشش خالص و به نصاب مبدول داشته. هیچ موجودی این قابلیت را حائز نخواهد بود. پس اگر می بینیم که در تحلیل تاریخی از دیدگاه مذاهب، نبوتها در مقاطع معینی از زمان سرمنشاء تحولات فکری و سپس اجتماعی اند، بروشنی باید به این استنتاج دست بجاییم که انسان بر شکل قوام یافته و تربیت شده اش، یعنی نیسی - مهمترین جزء و اصلی ترین عنصر این تحول و دگرگونی است. درست بر عکس تحلیل های سادملوحانه و مغرضانه ای که از مذهب میشود، این انسان است که در شرایطی خاص و در زیر تأثیر اوضاع و احوالی معین، راه منحرف شده و نابهنجار تاریخ را عوض میکند و کاروان بشریت را از گذرگاهی پر خطر و سقوط بار و هلاک آفرین می گذراند.

مقدمه ای بر وحدت

بقیه از صفحه ۱۳

● اعلام هفته وحدت از سوی حضرت آیت الله العظمی منتظری بهترین وسیله ایست برای خنثی سازی آنهمه تلاش طاغوت و ایادی استعمار گرش برای ایجاد نفاق و اختلاف
● اسلام مردم جزیره العرب را با هم مهربان ساخت و به اختلاف داخلی آنها خاتمه داد.

۲- همچنین فسق نمیکند که گیرنده و دهنده در شرایط ذبح از نظر اجتهاد یا تقلید باهم موافق باشند یا مخالف، در صورتیکه گیرنده احتمال دهد که حیوان طبق مذهب ذبح شده است و نیز شیخ بزرگوار اهل سنت شلتوت رئیس اکثریت مسلمانان به تمام کشورهای اسلامی فتوی صادر میکند که:

شافعیان به آنان همچون فقیه شافعی می نگریستند و کتاب خلاف شیخ طسوسی و تحریر الوسیله گواه نحوه تفکر پیشوایان شیعه از قرن چهارم و پنجم هجری تا عصر امام خمینی است. و در فتاوی حضرت امام خمینی در مسایل ذبح که برخی از فروع آن مورد اختلاف نظر بین شیعه و سنی است می فرماید:

۱- در اینکه آنچه از دست مسلمانان گرفته میشود مباح است فسق ندارد مسلمان شیعه باشد یا سنی که معتقد به طهارت پوست مردار با دیبائی است و ذبح اهل کتاب را حلال می داند و شرایطی را که ما در ذبح معتبر می دانیم رعایت نمیکند.

● تجربه های تاریخی ثابت کرده است که هیچ مذهب و قانونی نمی تواند پابرجا باشد مگر اینکه نیروی خود را از ایمان قلبی گرفته باشد.

مسموم و تفرقه انگیز روی می آورند، و آن عالم درباری هفته وحدت را تحریم می کند و در برابر طرح ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی از سوی ابرقدرتها سران طاغوتی یا سکوت نموده و پایه اجرای آن طرح می بردند؟

و هزار چندی کتابهای تفرقه انگیز چاپ می کنند و با حیل های گوناگون در مناطق سنی نشین منتشر نموده بلوا به راه می اندازند؟ آیا جز اینست که ابرقدرتهای استعمارگر با کمک ایادی و دست نشانده های خود تمام تلاش خود را برای ایجاد اختلاف و نفاق بسکار برده و می برند و همواره می کوشند که جمع ما را برآکنده سازند؟ اعلام هفته وحدت از سوی حضرت آیت الله منتظری بهترین وسیله ایست برای خنثی سازی آنهمه تلاش طاغوت و ایادی استعمار گرش برای ایجاد نفاق و اختلاف الله یجمع بیننا و الیه المصیر عبدالکریم بی آزار شیرازی

استاد عبدالفتاح عبدالمقصود و بسیاری دیگر این فتاوی تاریخی را مورد تأیید قرار می دهند. ۳- از اینسو می بینیم که علمای بزرگ و راستین شیعه بمانند امام خمینی فرموده اند:

«اگر شخصی که سنی و مخالف شیعه است حج بجا آورد و آنگاه حقانیت شیعه برایش روشن شود، واجب نیست که حج خود را اعاده نماید بشرط اینکه مطابق با مذهبش جحش را صحیح بجا آورده باشد، هر چند که در مذهب ما صحیح نباشد و در این مورد فرقه های مذاهب اسلامی نیست.»

پس چرا بعضی در این مسئله اساسی و حیاتی دست از راهنمائیها و فتاوی واجب الاطاعة علمای بزرگ الهی و مراجع خود برمی دارند و از شیاطین و ایادی طاغوتی و استعمارگر پیروی می کنند، و بسوی تبلیغات



از: صباح زنگنه نماینده مردم شیراز

اعتصام بحبل الله

بسم الله الرحمن الرحيم
ويا ايها الذين امنوا اتقوا
الله حق تقاته ولا تموتوا
الا وانتم مسلمون
واعصموا بحبل الله جميعا
ولا تفرقوا

آل عمران ۱۰۳
خطاب روشن و آشکار قرآن
کریم به مومنان که تقوای
خدا را آنچنان که شایسته
آنست در پیش گیرند،
و نهایت خط عمر که هر لحظه
ممکن است فرا برسد، به متع
و حی الهی متصل نمایند. و به
رسمان الهی چنگ زده و از
تفرقهها بپرهیزند.

ترتیب منطقی و سیر آیات
مبارکه نشان میدهد که
اعتصام به ریسمان الهی و
اتحاد مومنین در بستری از
تقوا و خودسازی میسر است.
تقوا بدون ذکر قید و بند،
تقوای همه بحدی و کامل
و مطلق، جامعهای که خدا را
ناظر و حاضر بدانند از لفظین
به قمر و منیتها و خود
خواهیهای می پرهیزد. تقوا
جامعه اسلامی را از نقارها
جدلها مصون میدارد. جامعه
منتهی از برتری طلبی میرا
میشود، و در نتیجه قدرت
و توانائی اتحاد و همسویی و
هم محوری را پیدا میکند.
محور اتحادش هم مشخص
میشود: الله. دین خدا،
رضای خدا، و قانون خدا.

در آخر آیه هم مرحلهای
دیگر از مراحل احتمالی در
حرکت جامعه ذکر میشود:
تفرقه اوستور خدا
در مرحله اول ناظر بر اتحاد و
اعتصام است، و در مرحله دوم
ناظر بر پیشگیری و اجتناب
از تفرقه است.

ولادت پیامبر اکرم (ص)
طلوع فجر وحدت انسانها
بود، و سالگرد این تولد،
میلاد دعوت به نفی تفرقهها
و از سرگیری زندگی متحد
و همسو میباشد.

انسانها، فرزندی
اجتماعی، متحد میشوند.
اتحادها پابرونی و ظاهری

و تحمیلی است، و یسارونی
و اختیاری.

آدمهایی که در جوامع
سوسیالیستی بسر می برند،
تحت سیستمهای زندگی
می کنند که وحدت را القاء
میکنند و وحدت اجباری
بوجود می آید. وحدت
در شیوهها و جهت گیریها
و حتی در طرز تفکرها مردم
متحد میشوند، اما چون نظام
حاکم میخواهد. و این وحدتها
گاهی میلیونها آدم را به کام
مسرگ انداخته و
آنها را از گردونه «هممنواخت
کردن» جامعه به دره هلاکت
و نابودی پرت میکند. وحدت
اختیاری و درونی، گناه
بر مبنای مصلحت و منفعت
مادی استوار میگردد. کارتها
و ترانستها، و تقسیم بازارهای
جهان، و تعادل قوا،
نمونههایی از این گونه
وحدتاند. در واقع وحدت
عدهای، جمعی، گروهی،
و اقلیتی علیه اکثریت، و علیه
«دیگران» از بشریت است.
گاه وحدت درونی بر مبنای
قومی، نژادی، زبانی،
و ایمنیهای وجود می آید.

این وحدتها در درون مایههای
از استکبار و خود برتری
بر سایر اقوام، نژادها، زبانها
مناطق جهان دارد. و از این
انحطاط، دردناکتر اینست که
برای این برتری جوئیها،
«ایستدولولوژی»!! هم
«سازند» و

«میروراندند»!!
اسلام، که آخرین پیام
خالق بشریت به بشریت است،
تمامی وحدتهای ذکر شده را
نفی میکند، و آنها را
وحدتهای تحمیلی، زودگذر و
ناپایدار می شمارد. اسلام
وحدتهای مذکور را وحدتهای
شیطانی و ضد بشری میداند،
و تاریخ مصداق روشن این
بیان است.

علی (ع) وحدت را بر دو
نوع می شمارد: «... اما اخ
لک فی الدین او نظیر لک
فی الخلق»... انسانها بنا



● تقوی عاملی است برای پرهیز
افراد جامعه از هرگونه جدل- برتری
طلبی و منیت.
● علی علیه السلام وحدت را بردو
اساس قرار میدهد ۱- وحدت دینی
۲- وحدت انسانی
● دشمنان وحدت مسلمین از چند
راه به تفرقه اندازی می پردازند:
۱- منیتها و خودخواهیها ۲-
تحریک عصبیتها، و فرقه گراییها
۳- گماشتن حکام وابسته ۴- کاهش
آگاهی اسلامی

برادر دینی تو و یا از نظر
خلقت با تو مساویند.
وحدت عقیده و جهان بینی
تنها وحدتی است که میتواند
هم ۱- اساسی و بنیادی ۲-
و هم پایدار ۳- و هم مفید
بحال کل بشریت باشد.
پیروان اسلام، در دایره
اسلام که باشند، بطور
خود بخودی و طبیعی
متحدند.
آنها با هم هستند. همسو
هستند. دلها و عواطفشان

با گذشت زمان و تغییر اوضاع
و احوال علاقه ایشان
بهمدیگر کاهش نمی یابد.
مسابقه آنها برای رسیدن به
قله خیرخواهی و انجام
نیکی هاست و لذا روز بروز
محبت و اتحادشان بیشتر
میگردد. و قدرت آنها روبه
افزایش است.
حالا که اینچنین است،
پس چرا اینهمه مسلمانان
دردنیا دچار ضعف و
زیونئی اند؟ چرا مسلمانان
فلسطین و لبنان
زیر چکمه های نژادپرستان
صهیونیستها بسر می برند؟
چرا تروتهای مسلمانان بغارت
میرود؟ چرا ناموس مسلمانان
مناطق مختلف از سرزمینهای
اسلامی هتک میشود؟ و چرا
و.....!

علت در کجاست؟
اکتون دشمنان اسلام
و مسلمین، دشمنان بشریت
و انسانیت میدانند
(و میدانستند) که اتحاد
مسلمین بر محور اسلام و
قرآن و رهبری عالمانه و صحیح
زندگی غارتگرانه
آنها را دچار اخلاص و نابودی
میگرداند و لذا با استفاده از
۱- منیتها

و خودخواهیها،
۲- تحریک عصبیتها
و فرقه گراییها،
۳- بکارگماردن حکام
وابسته و منحرف،
۴- کاهش آگاهی به
اسلام،
تفرقه ایجاد کردند. یعنی
همان چیزی است که آیه
قرآن مجید انرا منع کرده و
از مؤمنان خواستار اجتناب
از آن شده است.

عموم امت اسلام علاقمند
به اتحادند. اساراههای
انرا نمیدانند. و اگر بدانند،
برخی از خودخواهان و مفتیان
وابسته مجال بروز این
خواست عمومی را نمیدهند،
و اگر مفتیان درباری هم حرفی
نزنند، خود درباریان
وسلاطین و حکام وابسته
و مرتجع مجال چنین حرکتی
را نمیدهند. و اگر هم بدهند،
آنها به حرکتی انحرافی

واستکبار خواسته سوق
میدهند و به برانگیختن
عصبیتهای قومی و نژادی،
سنی و شیعه این خواست
عمومی مسلمین را به هرز
میدهند

و اکنون که دشمنان
انسانیت و اسلام، جهت ایجاد
تفرقه هرچه بیشتر،
برنامه ریزی میکنند
و نقشه های فراوان می کشند،
بر ماست که:

۱- برنامه ریزی جهت
از بین بردن تفرقهها
و اختلافها. پیام حضرت
آیت الله منتظری در این مورد
بسیار بجا و نشان دهنده عشق و
علاقه امت حزب اللهی ما به
اتحاد مسلمین و رفع تفرقهها
میباشد. بگذار تفرقههای
خود آگاه و نا آگاه
استکبار جهانی، ایران
اسلامی را متمدن به تفرقه کنند
در حالیکه خودشان به تفرقهها
دعوت صریح و غیر صریح
میکند. امروز باید
برنامه ریزی دقیق و حساب شده
نمائیم تا «تفرقه» را از بین
ببریم. باز بین بردن تفرقهها
میان مسلمانان جهان،
خود بخود اتحاد جلوه گر
خواهد شد.

۲- ملت های اسلامی
را آگاهی بخشیم. هم نسبت
به اسلام و احکام و مفاهیم آن
و هم نسبت به نقشه های
استکبار جهانی جهت از بین
بردن اتحاد مسلمین و اصل
اسلام.

۳- تاکید بر ولایت و
برادری اسلامی میان
مسلمین، و افشای حکام
و مفتیان آلت دست اجانب که
ولایت کفار و مخالفین اسلام
را پذیرفته اند.
بامید روزی که بتوانیم آن
اتحاد اسلامی را که در آیات
بعد سوره آل عمران آمده و
آن عبارت از، «وامت بهترین
که برای نجات مردم و
سعادت بشریت از دل
هستی بیرون آمده» تحقق
بخشیم. و السلام علی من
اتبع الهدی

صبح زنگنه ۱۳۶۱/۱۰/۳
نماینده مردم شیراز